



حمایت از رنانی
نامه جامعه‌شناسان



تقابل با بلوک جنوب
جدال ترامپ و آمریکای جنوبی



حفره‌های حکمرانی انرژی
بررسی دلایل قاچاق سوخت



روشنفکر بی ادعا
به یاد سیدجعفر شهیدی



زیر ضرب موافقان

انتشار فایل صوتی درون گروهی مدیران صداوسیما علیه وحید جلیلی جنجال برانگیز شد



تماشا

یادداشت روز

ذهنیت تقاص اندیش

آتش‌سوزی لس‌آنجلس و جنایات غزه هیچ ارتباطی با هم ندارند و نباید با باور اشتباه به تحلیل‌های متافیزیکی روی آورد و امور بی‌ربط را به هم ربط داد



عمادالدین باقی
جامعه‌شناس
و پژوهشگر حقوق بشر

پس از آتش‌سوزی گسترده در لس‌آنجلس کالیفرنیا همان‌طور که گروهی از خیال‌پردازان ساکن در رسانه اپوزیسیون که هر حادثه جزئی و عادی در ایران را مستقیماً به مساله ساختار سیاسی و عقیده براندازی گره می‌زنند، ولی این آتش‌سوزی را صرفاً بر اثر باد می‌دانند و بر تکنولوژی پیشرفته مهار آن تمرکز می‌کنند، برخی دیگر در ایران (و حتی در خود آمریکا) اظهار عقیده کردند که این آتش‌سوزی‌ها به خاطر گناه غزه است!

تا وقتی این نوع اظهارنظر از سوی افراد عامی باشد، نامنتظره نیست اما هنگامی که توسط برخی نخبگان سیاسی و صاحب اندیشه بیان می‌شود، غیرمنتظره و موجب تاسف است.

بدون شک جنایت غزه در زمره بزرگ‌ترین جنایات تاریخ بشریت است و باید عاملان آن تقاص پس بدهند اما تبدیل آرزوها به تحلیل و تحمیل آن به واقعیت را نمی‌توان تقاص شمرده به ویژه اینکه چنین رخدادی، تناسبی با اصل شخصی بودن جرم و مجازات ندارد و در نقطه دیگری از جهان برای کسانی که چه بسا نقشی در جنایات هولناک غزه نداشته‌اند، رخ داده است.

اگر کسی اندک اطلاعی از حوادث در آمریکا داشته باشد، می‌داند که توفان و آتش‌سوزی از رخدادهای کثیرالوقوع هستند و در جنگل‌های لس‌آنجلس هم بارها آتش‌سوزی رخ داده است اما این بار جهت باد، آن را به درون شهر کشیده است.

«بادهای به اصطلاح سانتا آنا پادهای شدید و خشکی هستند که در لس‌آنجلس در ماه‌های سردتر زمستان رایج هستند». در صورتی که این آتش‌سوزی تقاص جنایات غزه باشد، آتش‌سوزی‌ها و توفان‌های قبلی را به کدام موضوع می‌خواهند ربط بدهند؟

البته در مورد آتش‌سوزی اخیر فرضیه عمدی بودن آن نیز مطرح و در دست بررسی است اما مهم‌تر از ذهنیت تقاص اندیش، این است که در این آتش‌سوزی مهیب و عظیم، تاکنون حداکثر ۱۰ نفر جان باخته‌اند و در مدت ۴ روز با تجهیزات بسیار پیشرفته مهار شده است، در حالی که بارها در جنگل‌های کوچک خودمان آتش‌سوزی‌هایی در ابعاد بسیار کوچک‌تر رخ داده که در مدت‌زمانی بیش از آن هم نتوانسته‌اند، مهار کنند. بهتر است به جای آن نوع ذهنیت‌های عامیانه و غیرعلمی به جنبه‌های فنی که می‌تواند پیشگیرانه یا مهارکننده باشد، توجه شود.

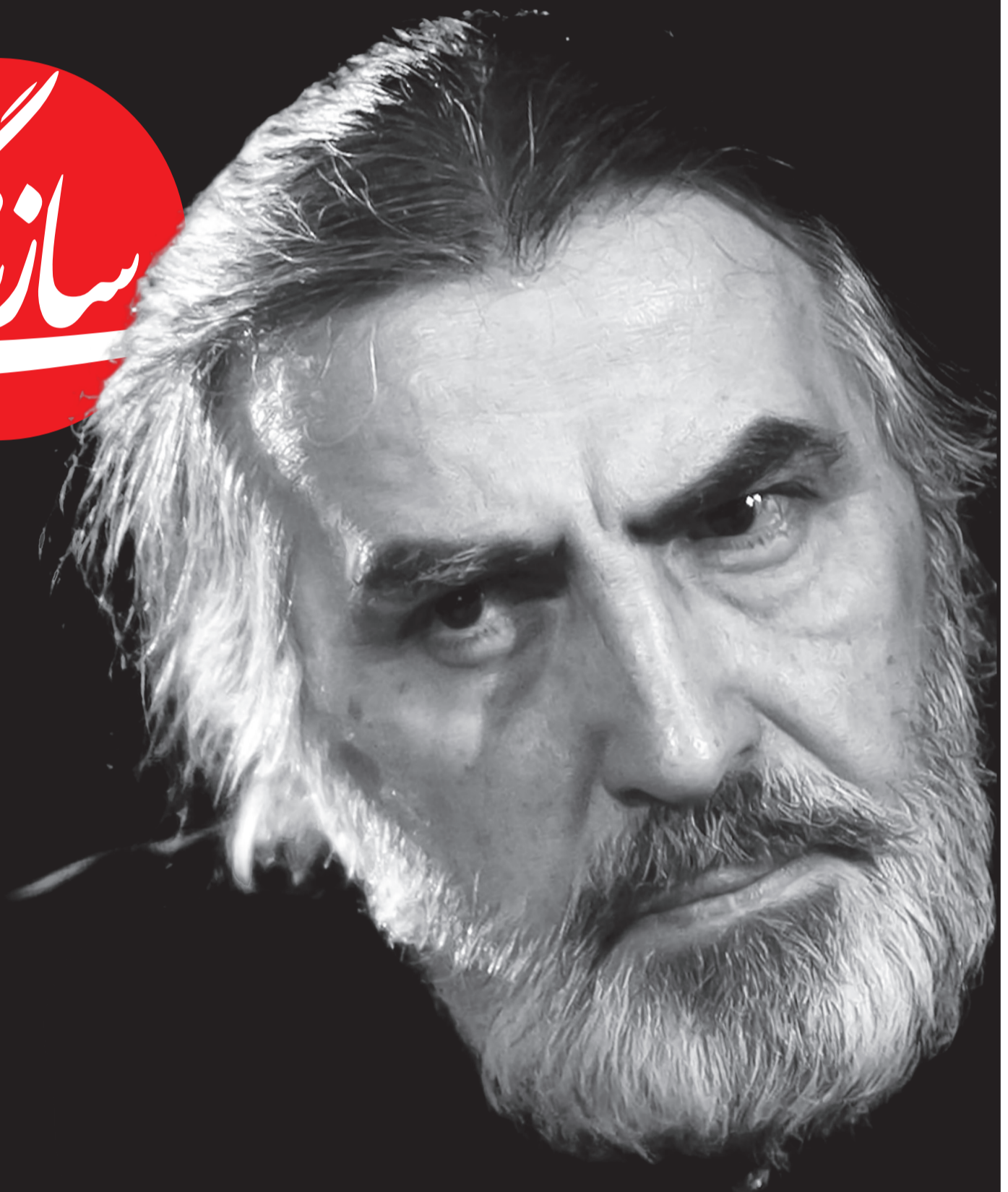
آن نوع طرز تلقی‌ها، باورمندان را همیشه در باتلاقی اسیر می‌کند که نمی‌توانند از آن بیرون آیند. برای مثال اگر زلزله، نشست زمین، یا رانش زمین، آتش‌سوزی، سیل و حوادث طبیعی که در همه جای جهان رخ می‌دهد بر سرشان آوار شد، آن وقت باید پاسخ بدهند که آن وقایع بر اثر چه گناهی بوده یا اگر گناهان بزرگ‌تری در گذشته یا در دیگر نقاط رخ داد و چنین پیامدهایی نداشته چه پاسخی برای آن دارند؟

از این موضوع مشخص، نتیجه کلی‌تر و مهم‌تری می‌توان گرفت و آن هم این است که تحلیل‌های متافیزیکی که می‌تواند همه امور بی‌ربط را به همدیگر ربط بدهد به ترویج انگاره‌های غیرعلمی می‌انجامد و قدرت تعقل برای مدیریت را زائل می‌کند و انسان را در پیشگیری یا کنترل بحران فلج می‌نماید.

فقط روش‌های علمی و فناورانه برای تحلیل حوادث است که می‌تواند راهگشای انسان برای کنترل پیامدهای زیان‌بار انسانی و مالی حوادث باشد.

آغاز جاودانگی

فریدون شهبازیان خالق نواهای جاودانه در ۸۲ سالگی و پس از یک دوره بیماری درگذشت



بیژن مومیوند
گروه فرهنگ



فریدون شهبازیان، آهنگ‌سازی که در نیم‌قرن اخیر آثار جاودانه‌ای خلق کرد و با بسیاری از بزرگان هنر هم‌کاری داشت، دیروز بر اثر مشکلات تنفسی در ۸۲ سالگی درگذشت. شهبازیان از ۹ دی به مدت ۹ روز به علت

مشکلات حاد تنفسی و ریوی و افت شدید اکسیژن خون در بیمارستان طالقانی تهران بستری شده بود و ۱۷ دی از بیمارستان مرخص شد اما عصر چهارشنبه ۱۹ دی در منزل مجدداً دچار افت شدید و خطرناک اکسیژن خون شد که به بیمارستان طالقانی تهران منتقل شد و تحت مراقبت ویژه قرار گرفت اما در نهایت صبح شنبه ۲۲ دی چشم از جهان فرو بست.

قدردانیده

فریدون شهبازیان با وجود فعالیت گسترده، همکاری با بسیاری از بزرگان هنر و خلق آثار ماندگار اما به دلایل مختلف، عده‌ای به جایگاه و اهمیت او در موسیقی بی‌توجه بودند و حتی در گفت‌وگوها یا مراسم مختلف کمتر از او یاد می‌کردند و عملاً نادیده‌اش می‌گرفتند. خصائل شخصیتی و درویش‌مسلكی‌اش و بی‌توجهی به الزامات چهره‌های

مشهور، این در حاشیه ماندگی را بیشتر می‌کرد. هوشنگ ابتهاج و حسین علیزاده اما جزو معدود افرادی بودند که همیشه از شهبازیان تجلیل می‌کردند. به‌عنوان نمونه علیزاده خرداد ۱۳۹۸ در مراسم بزرگ‌داشت فریدون شهبازیان می‌گوید: «فریدون شهبازیان از نخستین تجربه‌های من در رادیو تا امروز همواره همراه و پشتیبان من بود.

ادامه در صفحه ۴

کانال سازندگی

سکونت نهادهای امنیتی!

حدود ۴۰ موتورسوار و ۲۰ خودرو پس از نماز جمعه مسیر مصلای امام خمینی (ره) تا مجلس شورای اسلامی را طمی کردند و خواستار ابلاغ قانون مصوب مجلس درخصوص عفاف و حجاب شدند و ایجاد محدودیت برای سیدمحمد خاتمی برای شرکت در مراسم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی. سخنگوی جبهه اصلاحات به تجمع موتوری اخیر درباره قانون عفاف و حجاب واکنش نشان داد. جواد امام، سخنگوی جبهه اصلاحات به تجمع موتوری اخیر درباره قانون عفاف و حجاب در شبکه اجتماعی ایکس با هشتگ رای مردم نوشت: جناب آقای دکتر پزشکیان! سکونت وزارت کشور و نهادهای امنیتی و انتظامی در قبال تجمعات نیروهای خودسر و راهاندازی کارناوال‌های غیرقانونی همچنین اقدامات غیرقانونی دیگر از جمله ممانعت از حضور آقای سیدمحمد خاتمی در مراسم افتتاح بیمارستان هاشمی‌رفسنجانی نشانه‌ای است از مقابله آشکار با رای مردم و در درجه بعد زیر ضرب رفتن شعاع وفاق. انتظار این است جنابعالی به عنوان رئیس‌جمهور، مجری قانون اساسی و ریاست شورای عالی امنیت ملی درخصوص قانون‌گریزی‌های یاد شده به مردم گزارش دهید و در گام بعد، از تکرار آنها جلوگیری کنید.

پاسخ به تهدید الهام علی‌اف

آیت‌الله سیدحسن عاملی، امام‌جمعه اردبیل در واکنش به حمایت‌های مردمی از وی به دلیل ادعاهای جدید رئیس‌جمهور آذربایجان، الهام علی‌اف که گفته بود باید امام‌جمعه اردبیل عزل شود و از ما عذرخواهی کند، گفت: از صمیم قلب تشکر و احترام خود را به تمام عزیزانی که در این چند روز ما را قرین لطف و مرحمت خود قرار دادند، اعلام می‌کنم؛ از اهالی استان، شهرهای استان، اقشار مختلف از اهالی سایر استان‌های آذری و غیرآذری، مخصوصاً اهالی مکرم تبریز. بنا به روایت عصرایران، وی گفت: حقیر بی‌مقدار قطعاً مستحق این همه لطف و مرحمت نیستم هر چه هست، کرامت و لطف و مهربانی عزیزان است بسا این همه لطف عزیزان دیگر احتیاج به هیچ سخنی نیست. اللهم لا تؤاخذنی بما یقولون، و اجعلنی افضل مما یظنون، و اغفر لی ما لا یعلمون. گفتنی است که چندی پیش رئیس‌جمهور جمهوری آذربایجان گفته بود باید امام‌جمعه اردبیل عزل شود و از ما عذرخواهی کند.

دیگر نگران اینترنت و خانم‌ها نیستیم

محمدجواد ظریف، معاون راهبردی رئیس‌جمهور در قسمتی از گفت‌وگوی خود در برنامه «حضور»، عنوان کرد: ما وضعیتی پیدا کردیم که الان به خودمان مطمئنیم و مردم ما به خودشان مطمئن هستند، چون می‌دانند که کسی در برابر این مردم نمی‌تواند کاری بکند. الان وقت پرش است؛ با این اعتمادبه‌نفس بیام مبنای امنیت که اعم از اقتصاد و معیشت و ارتباطات خوب باشد و دیدن همه چیز به عنوان فرصت را تقویت کنیم. او در ادامه گفت: ما دیگر نیاز نداریم نگران اینترنت باشیم؛ نگران خانم‌ها باشیم؛ اینها همه برای ما فرصت هستند. ایرانی‌های خارج از کشور برای ما فرصت هستند. منطقه برای ما فرصت است. اینها دیگر تهدید نیست. ما اگر واقعاً به مبنای فکری امام و رهبری اعتقاد داشته باشیم، می‌بینیم که آنچه ما را سر پا نگه داشته، همین خودباوری بوده و این خودباوری خیلی مهم است.

مذاکره همیشه در جریان بود

شماره معکوس برای آغاز ریاست‌جمهوری ترامپ آغاز شده است و او بنا دارد تا روزی که کلید کاخ سفید را از بایدن تحویل می‌گیرد، موضع خود را درباره موضوعات مختلف جهان روشن و شفاف کند اما یکی از موضوعاتی که تا به امروز او از شفاف‌سازی درباره آن طفره رفته، احتمال حمله به ایران است در همین راستا، امیرعلی ابوالفتح به نامه‌نویز گفت: برخلاف تبلیغات رسانه‌های خارجی، هیچ منعی در ایران برای مذاکره با آمریکا وجود ندارد. در ۴۵ سال گذشته، یعنی ماجرایی تسخیر سفارت آمریکا تا به امروز همواره مذاکره بین دو کشور در جریان بوده است. سفارت سوئیس در ایران به عنوان حافظ منافع آمریکا، مسئول انتقال پیام‌های شفاهی و مکتوب بین تهران و واشنگتن است. وقتی هم از ترامپ درباره حمله پیش‌دستانه به تأسیسات هسته‌ای ایران سوال شد، پاسخ داد: «هیچ احتمالی به این سوال جواب نمی‌دهم». حال آنکه اگر ترامپ ۸ سال پیش بود، احتمال داشت خیلی تند و صریح علیه ایران موضع بگیرد.



ابراز همدردی با کالیفرنیا

محمدرضا عارف، معاون اول: اتخاذ تدابیر عاجل در سطح جهانی برای چاره‌اندیشی و مقابله با بحران‌ها ضروری است، چه نسل‌کشی و جنایات رژیم اشغالگر در غزه باشد و چه بحران ناشی از تغییرات آب‌وهوایی. در دنیای بهم‌پیوسته امروز، درد و رنج یک نفر، درد و رنج همه است؛ ما با همه کسانی که از حادثه آتش‌سوزی در کالیفرنیا متأثر شده‌اند، ابراز همدردی کرده و برای بهبود سریع اوضاع دعا می‌کنیم.



تصمیم با خودمان

مهدی فضایی، عضو دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب در روزنامه همشهری: اگر منفعت ما و دشمن یکسان بود ما برای خودمان تصمیم می‌گیریم حتی اگر مطابق خواست بیگانه باشد. بسیار اتفاق افتاده که جماعتی سخنی را بید می‌فهمند. آنها احتمال اینکه بدفهمی‌شان بدون غرض‌ورزی باشد، زیاد است و با توضیحی برطرف می‌شود اما آنان که خود را به نفهمی می‌زنند، بعید است مشکل‌شان با توضیح و تبیین برطرف شود!



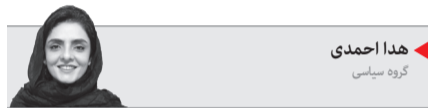
فرصت بیشتر به وزرا

علی مطهری، نایب‌رئیس مجلس دهم در گفت‌وگو با ایسنا: الان زمان مناسبی برای ارزیابی عملکرد وزرا مخصوصاً وزرای اقتصادی نیست و باید فرصت بیشتری به دولت بدهیم و بعد عملکرد وزرا را قضاوت کنیم. نباید به نیت استیضاح‌کنندگان کار داشته باشیم که آیا آنها دنبال منافع سیاسی یا جناحی خود هستند و می‌خواهند دولت را زمین بزنند یا هدف دیگری دارند. قضاوت را باید به مردم واگذار کرد.

حمایت از رنایی

نامه جامعه‌شناسان و اساتید دانشگاه

به مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری در باره محسن رنایی



در هفته‌ای که گذشت و پس از آنکه سایت رسمی محسن رنایی، پژوهشگر اقتصاد و استاد دانشگاه اصفهان از این موضوع خبر داد که مرجع قضایی برخی مطالب او را مجرمانه تلقی کرده‌اند و بر همین اساس و تا پایان مراحل رسیدگی قضایی فعالیت سایت و کانال تلگرامی محسن رنایی تعلیق می‌شود، این اعلام جرم علیه رنایی با واکنش بسیاری از سوی چهره‌های مطرح همراه شد.

محسن رنایی، فارغ‌التحصیل دکتری اقتصاد از دانشگاه تهران و استاد اقتصاد دانشگاه اصفهان است. از او ده‌ها سخنرانی و یادداشت و مقاله درباره توسعه ایران و وضعیت کنونی کشور منتشر شده است. ۱۵ کتاب نیز به قلم رنایی منتشر شده که معروف‌ترین آنها «بازار یا بازار؟»، «چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد» و «اقتصاد سیاسی مناقشه‌آمیز ایران: درآمدی بر عبور تمدن‌ها» است. او بارها در یادداشت‌ها و سخنرانی‌های خود درباره جهت‌گیری‌های حاکمیت و وضعیت کنونی کشور، هشدار داده بود. وی همچنین از اعضای شورای راهبردی انتخاب کابینه مسعود پزشکیان بود.

پس از اعلام جرم رنایی، او تبدیل به یکی از هشتگ‌های پر مخاطب توئیتر فارسی شد و کمتر از ۲۴ ساعت پس از اعلام جرم علیه مقالات و شخص محسن رنایی، دامنه وسیعی از شخصیت‌های علمی، نخبگان و برخی مقامات دولتی نسبت به این رخداد واکنش نشان دادند. بسیاری از کاربران با طرح این پرسش که مگر رنایی جز انتشار مطالب علمی و تحقیقاتی با محور توسعه، فعالیت دیگری داشت که چنین برخوردهایی تندی با او می‌شود؟ نسبت به موضوع انتقاد کردند. چهره‌هایی چون محمدجواد ظریف، آذر منصور، محمد فاضلی، مینو خالقی، محمد توسلی و... با انتشار پست‌هایی نسبت به رفتارهای اخیر با محسن رنایی اعتراض کرده و خواستار تجدیدنظر جدی در این زمینه شدند.

در آخرین واکنش افرادی همچون ناصر فکوهی، هادی خانیکی، محمد درویش، ابوالفضل دلاوری، مقصود فراستخواه و بسیاری از چهره‌های علمی در نامه‌ای از رئیس‌جمهور خواستند تا درباره تعلیق و دیگر اتهام‌های ناروا علیه محسن رنایی موضع‌گیری روشن داشته باشد. در بخش‌هایی از این نامه با امضای جمعی از دانشگاهیان و مردمان این سرزمین که خطاب به مسعود پزشکیان نوشته شده است، آمده: «از جنابعالی در مقام مسئول اجرای قانون اساسی و مفاد مصرح آن در تضمین آزادی بیان و حقوق اساسی ملت، خواستار موضع‌گیری روشن شما درباره این تعلیق و دیگر اتهام‌های ناروایی هستیم که به کار فکری دکتر محسن رنایی زده شده است. همچنین عطف به سوگند ریاست‌جمهوری‌تان، تعریف سازوکارهایی برای توقف این رویه را - بدون فوت وقت - خواستاریم، به امید اینکه ایشان، سایر اندیشمندان و نیز تمامی شهروندان این مرزوبوم، زین پس بدون ترس از

بازداشت و توبیخ، طعم شیرین «آزادی پس از بیان» را عمیقاً تجربه کنند».

◀ **آغاز راه باز برای تشویش افکار عمومی توسط تدروها!**
چند روز گذشته هم محمدجواد ظریف، معاون راهبردی رئیس‌جمهوری با انتشار متنی در حساب کاربری‌اش در شبکه اجتماعی ایکس به ماجرای تعلیق فعالیت سایت و کانال تلگرامی محسن رنایی، فعال سیاسی، واکنش نشان داد و نوشت: «استاد دکتر محسن رنایی یکی از آگاه‌ترین و دلسوزترین اندیشمندان این مرزوبوم است که با شجاعت و صراحت به منظور پیشگیری و درمان پیش از وقوع فاجعه به صورت خصوصی و هرگاه ضرورت باشد به شکل عمومی هشدار می‌دهد و اندازهایش برخاسته از دغدغه‌مندی است و نه برای تشویش اذهان. حضور راهگشا و سازنده ایشان در



شورای راهبری یکی از نمونه‌های مشارکت مشفقانه ایشان است». ظریف که این متن را قبل از برگزاری اولین همایش گفت‌وگوی وفاق در تاریخ ۲۰ دی ماه برگزار شد، نوشته بود، اعلام کرد: «بسیار متأسفم در هفته‌ای که بناست گفت‌وگوی وفاق ملی با حضور رئیس‌جمهور و اندیشمندان برگزار شود، اخبار ناخوشایندی پیرامون فعالیت‌های روشنگرانه این دانشمند بی‌ظنیر و برخی دیگر از دلسوزان ملک و ملت شنیده می‌شود. آنچه از تجربه اندک نیم‌قرن گذشته‌ام در بررسی روندهای اجتماعی ایران و جهان دریافت کرده‌ام این است که برخورد با اظهارنظر و نقد اندیشمندان مشفق راه را برای تشویش افکار عمومی توسط تدروهای منفعت‌طلب باز می‌کند. از این رو، امیدوارم با درایت ریاست محترم قوه قضائیه و دستگاه‌های امنیتی، استاد دکتر محسن رنایی فعالیت‌های نیک‌اندیشانه خود را ادامه دهد».

همچنین عباس عیدی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب در روزنامه اعتماد در یادداشتی با عنوان «قضاوت فراتر از سیاست» به اهمیت قانون عادلانه و اجرای بی‌طرفانه آن در کشور پرداخت و در این زمینه تأکید کرد که هنگامی عدالت برقرار می‌شود که هم قانون عادلانه باشد و هم بی‌طرفانه و کامل اجرا شود.

«آقای دکتر رنایی چندین ماه است که در اصفهان و به دلیل اصرار ضابط قضایی احضار می‌شوند و هر روز هم مطالب جدیدی از سال‌های گذشته را به پرونده ایشان اضافه می‌کنند. به همین دلیل هم مطالب را از سایت حذف کرده، یا آن را مسدود کرده و منتظر پایان یافتن بازجویی‌های

بی‌سرانجام و بی‌فایده است. به گفته عیدی ناکارآمدی این سیاست‌های ضد رسانه‌ای است که حتی نوشتن متنی که خلاف قانون اساسی باشد را جرم می‌داند.

احمد زیدآبادی هم تعلیق فعالیت‌های قلمی محسن رنایی را به معنای پایان کنشگری مرزی در جامعه ایرانی قلمداد کرد و نوشت: «اگر فعالیت‌های فکری و نوشتاری در قالب کنشگری مرزی به عنوان امری مجرمانه و مستوجب محدودیت و مجازات تعریف شود، این به معنای خداحافظی عموم کنشگران این طیف با عرصه عمومی و تغییر فضای سیاسی جامعه و تبدیل آن به صورتی کاملاً دوقطبی است». زیدآبادی تأکید کرد اینکه هر شهر و استان ایران تابع شرایط سیاسی و امنیتی خاصی است، دیگر یک راز محسوب نمی‌شود. چه بسا حضور در یک جلسه سیاسی و ایراد سخنرانی در آن، در مرکز یک استان امری کاملاً عادی و بی‌خطر باشد اما در مرکز یک استان دیگر، عین آن جلسه و سخنرانی دستمایه تشکیل پرونده و صدور حکم سنگین قرار گیرد!

◀ **خبرخواهی برای ایران و ایرانی**
آذر منصور، رئیس جبهه اصلاحات با انتشار پیامی در حساب کاربری خود در شبکه مجازی ایکس به تعلیق سایت و کانال تلگرامی محسن رنایی، فعال سیاسی واکنش نشان داد. او در این زمینه نوشت: از تعلیق کانال تلگرامی و اقدام قضایی علیه دکتر محسن رنایی بسیار متأسفم. به راستی در زمانه‌ای که صحبت از ضرورت وفاق، انسجام

ملی و خلق امید و اعتماد می‌شود، اعمال محدودیت برای اندیشمندان منتقد، مصلح و خیرخواهی مانند ایشان چه توجیهی دارد؟ بر سر شاخ نشسته‌ی من برید!
محمد فاضلی، عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی نیز یکی از چهره‌هایی بود که به موضوع واکنش نشان داد و نوشت: «سراسر وجود برادر بزرگوارم دکتر محسن رنایی خیرخواهی برای ایران و ایرانیان است. ایران دوستی او را باید قدر شناخت و صداقت و شجاعتش را ستود، آزادی بیان حق شهروندی اوست. تعقیب قضایی برای مقالاتش و بستن سایت و کانال او نقض حقوق شهروندی، خلاف مصالح جمعی و ضدسرمایه اجتماعی است».

همچنین مینو خالقی، حقوق‌دان و تحلیلگر نیز با اشاره به تبعات چنین برخوردهایی اعلام کرد: «استاد دکتر محسن رنایی، تئوری‌پرداز واقع‌نگر در اقتصاد و عارفی مستغرق در انسان‌شناسی و فلسفه است. او ایران‌دوستی شجاع در بیان حقایق اجتماعی است و بیان نخبگانی چون او الیتام‌آزم فروخورده جامعه است. مزید امتنان است این وفاق ملی جز شعار و سمینار به کاری هم بیاید».

محمد توسلی، دبیرکل سابق نهضت آزادی ایران هم با انتشار توییتی این‌طور واکنش نشان داد: «تشکیل پرونده قضایی برای دکتر محسن رنایی، استاد دانشگاه، کنشگر اجتماعی به خاطر نقد مشفقانه حاکمیت، جای تأسف و تأمل دارد. آیا ایجاد محدودیت برای چنین شخصیت‌هایی که راه را برای حضور نیروهای افراطی و ناکارآمد فراهم می‌سازد، در راستای منافع ملی است؟»

دیدگاه: گزارش خارجی

انتقاد از بایدن

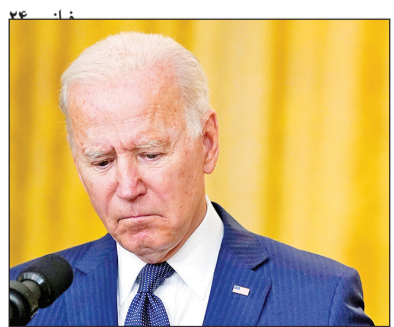
آتش‌سوزی در لس‌آنجلس چگونه موجب به راه افتادن موج انتقاد از دموکرات‌ها و موج‌سواری ترامپ شد؟

ساکنان منطقه «آلتادنا» در حومه لس‌آنجلس که با آتش‌سوزی اخیر در این منطقه به خاکستر تبدیل شده است، با ابراز عصبانیت از عملکرد و واکنش کند و فقدان آمادگی مقامات در این حادثه، ورود نیروهای گارد ملی برای گشت‌زنی در این منطقه را دیر هنگام و بسیار اندک دانستند. زمانی که ساکنین برای نجات خانه‌های خود سطل‌های آب را به روی شعله آتش می‌ریختند حتی یک مامور آتش‌نشانی هم دیده نشده است. اهالی این منطقه اعلام کرده‌اند که آتش‌نشان‌ها برای نجات اموال افراد مشهور و ثروتمند در منطقه پالیسیدز (منطقه مسکونی در لس‌آنجلس) مشغول بودند و اجازه دادند مردم معمولی در اینجا در آتش بسوزند. اما آتش‌تبعیضی قائل نیست. این رسانه افزود: با این حال در محله مجلل پاسیفیک پالیسیدز، اولین منطقه‌ای که هفته گذشته در معرض آتش‌سوزی قرار گرفت، ساکنان ثروتمند این محله نیز به اندازه محله آلتادنا از عملکرد مقامات خشمگین هستند.

ساکنان محله پالیسیدز از خشک بودن و فشار پایین کپسول‌هایی که توسط آتش‌نشان‌ها استفاده می‌شوند ابراز خشم کردند و گفتند اوضاع در شهر، کاملاً ما را ناامید کرده است. ما همه چیز را از دست دادیم و احساس می‌کنیم حمایت شهردار و فرماندار از شهر ما در حد صفر است. به گفته مقامات آمریکایی، آتش‌سوزی‌هایی که همچنان ادامه دارند، دست‌کم ۱۱ نفر را به کشتن داده است. حدود ۱۰ هزار ساختمان تخریب شده و بیش از ۱۰۰ هزار نفر از ساکنان منطقه مجبور به تخلیه شده‌اند. مقام‌های آمریکایی تاکنون وزش باد ۱۶۰ کیلومتر در ساعت را در گسترش آتش‌سوزی مقصر دانسته و مدعی شده‌اند که ماه‌ها خشکسالی به این وضعیت دامن زده است اما این توجیه بسیاری از اهالی کالیفرنیا را که هزاران نفر از آنها همه چیز را در آتش‌سوزی از دست داده‌اند، قانع نکرده است.

کارن باس، شهردار لس‌آنجلس مورد شدیدترین انتقادات قرار گرفته، زیرا با شروع آتش‌سوزی، او در بازدید از کشور آفریقای غنا بسر می‌برد. این در حالی است که روزهای قبل از وقوع آتش‌سوزی، هشدارهای آب‌وهوایی داده شده بود. کاهش بودجه عمومی برای آتش‌نشانی‌ها و مجموعه‌ای از هشدارهای تخلیه که به اشتباه در هفته گذشته برای میلیون‌ها نفر ارسال شد، بیش از پیش خشم عمومی را برانگیخته است. این در حالی است که براس شهردار و گاوین نیوسام، فرماندار کالیفرنیا که هر دو دموکرات هستند، خواستار تحقیقات در این زمینه شده‌اند. دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری منتخب آمریکا رهبری لیبرال در کالیفرنیا را مقصر دانسته و از همه هوادارانش خواسته است که این رویه را دنبال کنند. در این راستا، ترامپ حملات سیاسی خود را آغاز کرده و ادعای او درباره خالی بودن هیدرانت‌ها یا همان شیرهای آتش‌نشانی بسیاری از بازماندگان ناشی از آتش‌سوزی در آلتادنا را ناامید کرده است. او در رسانه اجتماعی تروث سوشیال نوشت: «یکی از بهترین و زیباترین نقاط ایالات متحده آمریکا در حال سوختن است. همه جا خاکستر است و گوین آشفال جدید باید استعفا دهد. همه اینها تقصیر اوست!»

ترامپ ادامه داد: «فرماندار «گوین آشفال جدید» از امضای بیانیه احیای آب که پیش از او ارائه شده بود، خودداری کرد که باعث می‌شد میلیون‌ها گالن آب، حاصل از ذوب شدن بیش از حد باران و برف از شمال، روزانه به بسیاری از مناطق کالیفرنیا، از جمله مناطقی که در حال حاضر در حال سوختن به شکلی آزارآمیزی هستند، سرازیر شود.»



عون به ریاض می‌رود

براساس اعلام رسانه‌های لبنان، ژوزف عون، رئیس‌جمهور منتخب لبنان بنا به درخواست محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی به عربستان سفر خواهد کرد و این نخستین سفر خارجی وی محسوب می‌شود. او در اولین اظهارات خود اعلام کرده که امید می‌رود دولت در اسرع وقت تشکیل شود تا امور در مسیر درست قرار بگیرند و ما آماده اعتمادسازی با خارج هستیم.



برنامه اسرائیل علیه یمن

آویگدور لیبرمن، وزیر جنگ اسبق اسرائیل: ما در یمن به یک برنامه سازماندهی شده نیاز داریم تا هرگاه‌ی به انجام حملات هوایی تکیه نکنیم. ما به موساد نیاز داریم تا به مناطق تحت کنترل دولت عدن (دولت مستعفی یمن) نفوذ کند و ماموران را آموزش دهد و یک طرح سازماندهی شده برای مقابله با حوثی‌ها (جنبش انصارالله) در آنجا پایه‌ریزی کند.



گرینلند و ترامپ

موت آگید، نخست‌وزیر گرینلند با اعلام آمادگی برای گفت‌وگو با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا که گفت، خواهان کنترل این جزیره قطب شمال است و خواستار احترام به آرمان‌های استقلال این جزیره شد. ترامپ که در ۲۰ ژانویه به قدرت می‌رسد، کنترل آمریکا بر گرینلند، یک قلمرو نیمه خودمختار دانمارک را به عنوان یک «ضرورت مطلق» توصیف کرده است.

تقابل با بلوک جنوب

آمریکا همزمان با جدال ترامپ و مکزیکی، پاداش دستگیری رئیس‌جمهور ونزوئلا را به ۲۵ میلیون دلار افزایش داد



گروه بین‌الملل: این روزها که همه چشم به مراسم تحلیف ترامپ و ورود مجدد او به کاخ سفید دوخته‌اند، تحلیل‌های متعددی درباره اینکه او و تیمش چگونه قرار است راهبردهای ایالات متحده برای چهار سال آینده را پیش ببرند، مطرح شده است. برخی‌ها به تحلیل تاکتیک‌های وی در خصوص خاورمیانه می‌پردازند و برخی دیگر استراتژی وی در قبال اروپا، چین و روسیه را زیر نظر دارند اما حالا به نظر می‌رسد که او قرار است در ۴ سال آینده به‌نوعی آمریکای جنوبی را هم با چالش‌های جدید روبه‌رو کند. در این مسیر ترامپ به دنبال آن است تا با سخنان جدید خود نوعی از قدرت‌نمایی را به تصویر بکشد؛ به‌گونه‌ای که او خواستار خرید گرینلند از دانمارک شده، کانادا را ایالات پنجاه‌ویکم آمریکا خوانده و قصد دارد نام خلیج مکزیکی را به خلیج آمریکا تغییر دهد. در مورد چهارم نیز خواستار بازگشت کانال پاناما به ایالات متحده آمریکا شده است که هر چهار مورد حالا با واکنش‌های مشخص و البته تندی روبه‌رو هستند.

در این مسیر با صرف‌نظر از موضوع گرینلند و کانادا به سراغ دو پرونده دیگر، یعنی مکزیکی و پاناما می‌رویم که به‌نوعی می‌توان آن را مدل نگاه ترامپ به آمریکای جنوبی دانست. اینکه ترامپ بر مالکیت آمریکا بر کانال پاناما اصرار دارد و از سوی دیگر، رئیس‌جمهور این کشور رسماً اعلام می‌کند که این کانال و متربته‌تر آن متعلق به پاناما خواهد بود، موضوعی است که از همین حالا تقابل میان آمریکا و پاناما را تصویر می‌کند.

در مورد مکزیکی همچنین روایی پایدار است. چند روز پیش ترامپ گفت که قصد دارد نام خلیج مکزیکی را به «خلیج آمریکا» تغییر نام دهد. او گفت: ما نام خلیج مکزیکی را به خلیج آمریکا تغییر خواهیم داد که حلقه زیبایی دارد و قلمرو زیادی را در برمی‌گیرد. خلیج آمریکا، چه نام زیبایی! در مقابل کلودیا شینبام، رئیس‌جمهور مکزیکی، دونالد ترامپ را به خاطر ادعای اینکه کشورش توسط کارتل‌های مواد مخدر اداره می‌شود و خلیج مکزیکی که از قرن هفدهم نامگذاری شده است به خلیج آمریکا تغییر نام دهد، مورد انتقاد قرار داد. شینبام در یک کنفرانس خبری نقشه عظیمی از آمریکای شمالی از سال ۱۶۰۷ نشان داد که این قاره را «América Mexicana» یا «آمریکای مکزیکی» تصویر کرده است. او سپس به شوخی گفت که شاید مکزیکی باید به این قاره اینگونه اشاره کند. چرا ما آن را آمریکای مکزیکی نمی‌نامیم؟ شینبام با اشاره به نقشه لبخند زد و گفت: زیبا به نظر می‌رسد، نه؟ او در مورد نام صحبت کرد، ما نیز در مورد نام حرف می‌زنیم. رویترز در این خصوص نوشته است که ترامپ در آستانه

نکته اینجاست که علاوه بر افزایش جایزه برای دستگیری مادورو، ایالات متحده برای اطلاعاتی که منجر به دستگیری «دیوسدادو کابو»، وزیر کشور ونزوئلا شود نیز ۲۵ میلیون دلار برای دستگیری «ولادیمیر یادرینو لویز»، وزیر دفاع هم ۱۵ میلیون دلار جایزه تعیین کرده است. خزانه‌داری آمریکا این افراد را به ایفای نقش در «سرکوب و نقض حقوق بشر» متهم کرد. سایر مقامات ونزوئلا از جمله رئیس شرکت نفت دولتی PDVSA و وزیر حمل‌ونقل و همچنین تعدادی از افسران عالی‌رتبه نظامی و پلیس نیز تحریم شدند.

به موازات این روند، وزارت امور خارجه انگلیس هم در بیانیه‌ای اعلام کرد که این کشور علیه ۱۵ مقام ارشد ونزوئلایی از جمله رئیس دیوان عالی دادگستری این کشور که پیروزی مادورو را در انتخابات ریاست‌جمهوری اوت ۲۰۲۴ به رسمیت شناخته، تحریم وضع کرده است. براساس اعلام دستگاه دیپلماتی انگلیس، مقام‌های ونزوئلایی که تحریم شده‌اند شامل «کارلسلیا پاتریس رودریگز»، رئیس دیوان دادگستری و «آسدریبال خوزه ریترانو راناندز» دبیرکل ضداطلاعات نظامی ونزوئلا می‌شوند که این اقدام لندن را باید هم‌پیمانی با واکنش‌ها علیه این کشور سوسیالیست دانست.

این اقدامات ایالات متحده و انگلیس باعث شد تا مادورو هم واکنش نشان دهد. او پس از مراسم تحلیف گفت که «اگر اکنون اینجا هستیم، به این دلیل است که مردم ونزوئلا، امپریالیسم را شکست دادند و دولت جو بایدن که در حال اتمام دوره خود است، نمی‌داند چگونه انتقام بگیرد». وی افزود: «راست افراطی، به رهبری خاویر میلی، رئیس‌جمهور آرژانتین همراه با امپریالیسم آمریکای شمالی فکر می‌کردند که می‌توانند رئیس‌جمهور خود را در ونزوئلا بگمارند. نمی‌توان برای ونزوئلا رئیس‌جمهور تعیین کرد. آنها قادر به انجام این کار نبودند و هرگز نخواهند توانست چنین کاری انجام دهند».

فرجام سخن

آنچه در خصوص راهبرد ایالات متحده در قبال کشورهای آمریکای جنوبی باید مورد نظر قرار بگیرد این است که بدون شک ترامپ پس از ورود به کاخ سفید با این کشورها وارد چالش جدی می‌شود. اگرچه پاناما و مکزیکی یکی از اصلی‌ترین کشورهای مذکور خواهند بود که ترامپ علیه آنها اقدام خواهد کرد، اما در این خصوص راهبرد او علیه ونزوئلا هم دقیقاً همانند مواجهه با این دو کشور خواهد بود و علیه آن اقدام می‌کند. بر همین اساس باید گفت که محافظه‌کاران «تقابل با بلوک جنوب» را در دستور کار قرار دادند.

بازگشت به قدرت، مکرراً مکزیکی را مورد انتقاد قرار داده و تهدید کرده است که تعرفه‌های سختی را بر واردات یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری ایالات متحده اعمال خواهد کرد، مگر اینکه جریان مهاجران غیرقانونی و مواد مخدر از مرزها متوقف کند. او همچنین تهدید از اولین دوره ریاست‌جمهوری خود مبنی بر معرفی کارتل‌های مواد مخدر مکزیکی به‌عنوان گروه‌های تروریستی را احیا کرده است و همین موضوع می‌تواند مشکلات سیاسی - امنیتی و حتی اقتصادی زیادی برای مکزیکی به وجود بیاورد.

این روند به جایی رسیده که اکنون رئیس‌جمهور مکزیکی و ترامپ درگیر جنگ لفظی هستند. شینبام کنایه ترامپ مبنی بر اینکه مکزیکی اساساً توسط کارتل‌ها اداره می‌شود را بی‌اهمیت نگرفت و گفت: «آنها به او اطلاعات غلط داده‌اند و باز هم اطلاعات غلط خواهند داد». در کلبی که به سرعت در فضای مجازی منتشر شد، او متعهد شد که با کاخ سفید ترامپ همکاری کند، اما نه به قیمت استقلال مکزیکی. او گفت: «در مکزیکی، مردم حکومت می‌کنند و ما قصد داریم با دولت ترامپ همکاری کنیم و یکدیگر را درک کنیم. من مطمئن هستم با دفاع از حاکمیت خود به‌عنوان یک کشور آزاد و مستقل».

اما ونزوئلا...

فارغ از آنچه ترامپ در مواجهه با پاناما و مکزیکی مطرح کرده، باید گفت که بدون‌شک او پس از استقرار در کاخ سفید با ونزوئلا که حالا تحت سلطه نیکولاس مادورو است هم درگیر می‌شود. او جمعه برای سومین دوره ۶ ساله به‌عنوان رئیس‌جمهور سسگونگ یاد کرد و این اقدام در حالی رخ داد که مخالفان و موافقان وی به سرعت در تمام کاراکاس به دنبال تقابل با هم در خیابان بودند.

اینکه مادورو چگونه مجدداً به قدرت رسید موضوعی است که هنوز هم آمریکا و اروپا با تمام قدرت درباره آن یک موضع رادیکال دارند و در این میان آنچه حالا از سوی ایالات متحده علیه ونزوئلا در حالی پیش رفتن است، اعمال فشار بیش از حد علیه مادورو و تیم وی است. در این راستا (شنبه) وزارت خزانه‌داری آمریکا اعلام کرد که این کشور پاداش برای دستگیری نیکلاس مادورو را به ۲۵ میلیون دلار افزایش داده و این در حالی است که این رقم در سال نزدیک به ۱۵ میلیون دلار بوده است. این اقدام از سوی خزانه‌داری آمریکا بخشی از یکسری اقدامات گسترده‌تر شامل تحریم و ممنوعیت سفر است که علیه مقام‌های مرتبط با دولت کاراکاس وضع می‌شود.

گزارش نشست

نقش جلال

بزرگداشت ۹۰ سالگی جلال شباهنگی



مراسم بزرگداشت جلال شباهنگی با عنوان «نقش جلال» با حضور خانواده این هنرمند فقید، هنرمندان و علاقه‌مندان به هنر، جمعه ۲۱ دی در باغ موزه هنر ایرانی برگزار شد و نمایشگاهی از آثار شاخص او نیز در همین روز افتتاح شد. جلال شباهنگی در زمینه طراحی گرافیک و نقاشی معاصر ایران پیش‌گام بود و شیوه‌ای نظام‌مند و خلاقانه در آموزش هنر داشت. او نقش برجسته‌ای در تعریف مبانی گرافیک در ایران ایفا کرده است. تکنیک‌های بدیع و نگاه خاص استاد، الهام‌بخش نسل‌های متعددی از هنرمندان بوده است. با این حال، بخش‌هایی از آثار و تکنیک‌های او، به‌ویژه در حوزه آثار حجمی، همچنان مغفول مانده‌اند و نیازمند بازشناسی هستند. در این مراسم، فرزانه اسعدی مجسمه‌ساز، محمد طلوعی نویسنده، حمید حلیمی نقاش و دوست قدیمی شباهنگی، ایرج میرزا علیخانی هنرمند طراح گرافیک، لادن رضایی پژوهش‌گر و استاد دانشگاه، فرشید پارسا کیا هنرمند طراح گرافیک و ابراهیم کمالی مدیر باغ موزه هنر ایرانی به ایراد سخن پرداختند و درباره شخصیت و آثار جلال شباهنگی از جنبه‌های مختلف صحبت شد.

این سخنرانان شباهنگی را هنرمندی پیش‌گام و تأثیرگذار دانستند که میراثی ماندگار در حوزه‌های نقاشی، گرافیک و مجسمه‌سازی به جا گذاشته است. در سخنرانی‌ها یاد و خاطره رسول رنگ‌ها زنده شد و به برخی از خصوصیات بارز این هنرمند فقید همچون پیشاهنگی در هنر، تأثیر بر نسل‌های هنری (تکنیک‌های بدیع و نگاه خاص او، الهام‌بخش نسل‌های متعددی از هنرمندان بوده است)، نگاه خاص او به طبیعت و ویژگی‌های شخصیتی او اشاره شد. در بخشی از این مراسم، از مجسمه دست جلال شباهنگی که توسط فرزانه اسعدی ساخته شده بود، رونمایی شد. این اثر به پسر زنده‌یاد شباهنگی هدیه شد.

پس از مراسم، نمایشگاهی از آثار منتخب جلال شباهنگی در گالری پردیس باغ موزه هنر ایرانی با حضور جمعی از علاقه‌مندان افتتاح شد. این نمایشگاه شامل نقاشی‌های برجسته‌ای از مجموعه‌های «جنگل»، «گل و مرغ» و «تپه‌ها» بود.

نمایشگاه «نقش جلال» تا تاریخ ۳۰ دی در گالری پردیس باغ موزه هنر ایرانی دایر است و علاقه‌مندان می‌توانند همه روزه از ساعت ۱۰ تا ۱۸ از این نمایشگاه بازدید کنند.

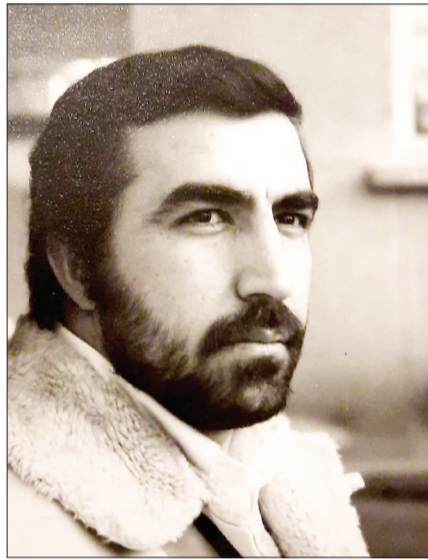
این مراسم، علاوه بر بزرگداشت ۹۰ سالگی زندگی پربار استاد جلال شباهنگی، فرصتی بود برای بازشناسی میراث ارزشمند او در هنر معاصر ایران و ادای احترام به یکی از چهره‌های ماندگار هنر ایران و روز بوم است. باغ موزه هنر ایرانی با هم‌کاری گالری گویه میزبان مراسم گرامی‌داشت نودمین سال تولد استاد جلال شباهنگی، هنرمند برجسته ایرانی بود. جلال شباهنگی، هنرمند برجسته نقاشی، عضو پیوسته فرهنگستان هنر و استاد دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران، متولد ۲۴ آذر ۱۳۲۴ در تهران بود و ۲۵ مرداد ۱۴۰۲ درگذشت. شباهنگی علاوه بر نقاشی در حوزه گرافیک و مجسمه‌سازی نیز فعالیت داشت. دشت‌ها، کویرها، گل و مرغ‌ها و حجم‌های شیشه‌ای از مجموعه آثار مشهور این هنرمند فقید است. در آثار شباهنگی سه واژه باغ و دشت و درخت به عنوان نشانه‌های واحد از ریتم و ساختار، ترکیب دو ساحت عینی و غیرعینی و روابط عمودی و افقی و نحوه قرار گرفتن فضای مثبت و منفی را جلوه‌گرند. او در آثار نقاشی‌اش با استفاده ویژه از الوارهای رنگی نرم و نگاه ویژه و متمایز دید در پرسپکتیو و باور بلوغ‌یافته‌ای که از تجربه‌های متعدد و متنوعش برمی‌آید، در جست‌وجوی عناصر در عین تجلی به ارزش درونی عناصر توجه می‌کند. وفاداری و اصرار ویژه به روش و بیانی خاص، نشانه‌های متمایز این هنرمند است و بیانی دراماتیک و شاعرانه و موسیقی دل‌انگیز سرزمین و جهان ویژه ترجمان عاطفی و تصویری وی از جهان است.



خاموشی فریدون

فریدون شهبازیان آهنگ‌ساز برجسته معاصر درگذشت

او برایم هم‌چون یک استاد و معلم بزرگ است. فریدون شهبازیان لایق قدردانی بسیار زیاد است. ما احساس غرور می‌کنیم که شهبازیان را در کنار خود داریم.»



زندگی و زمانه فریدون

فریدون شهبازیان ۲۱ خرداد ۱۳۲۱ در خیابان فخر رازی تهران به دنیا آمد. به تشویق و راهنمایی پدرش با موسیقی آشنا شد و در هنرستان موسیقی به تحصیل موسیقی و فرآگیری ویولن پرداخت. اولین معلمش عطاالله خادم میثاق بود که پس از چند سال فریدون را به دلیل استعداد خاصش به معلم روسی خود سرژر خوستنیف معرفی کرد و فریدون تا پایان دوره ابتدایی نزد او تعلیم دید. در دوران دبیرستان تعلیم ویولن را تا اخذ دیپلم تونژندگی ویولن در کلاس‌های شبانه لوییجی پاساناری که در آن زمان کسرت مایستر (دستیار رهبر ارکستر) ارکستر سمفونیک تهران بود، ادامه داد. در ۱۷ سالگی به عضویت ارکستر سمفونیک تهران به رهبری حشمت سنجری سپس با طی آزمون رادیو به عضویت ارکستر گل‌های رادیو درآمد. در آن زمان ارکستر گل‌ها به رهبری روح‌الله خالقی و پس از او جواد معروفی فعالیت می‌کرد. در همان سال‌ها در پی ایجاد ارکستر فارابی به رهبری مرتضی حنانه، فریدون ناصری و مصطفی کسروی، شهبازیان به عضویت این ارکستر پذیرفته شد. به دلیل علاقه خاص به موسیقی ایرانی و مطالعه بر ردیف‌های موسیقی ایران در ارکستر بزرگ فرهنگ و هنر به رهبری حسین دهلوی عضویت یافت. در سال ۱۳۴۵ هم‌زمان با تشکیل کر و ارکستر سمفونیک رادیو به رهبری آن برگزار شده شد و اولین آثار آهنگ‌سازی خود را در همان ایام ساخت. پس از گذراندن دوران خدمت سربازی در کنکور دانشکده هنرهای زیبا پذیرفته شد و در دوران دانشکده از تعلیم استادانی چون هوشنگ استوار، یوسف یوسف‌زاده، محمدتقی مسعودیه، علیرضا مشایخی، هرمز فرحت، توماس کریستین داوید و ولفگانگ والیش بهره برد و با عضویت در ارکستر مجلسی رادیو و تلویزیون به رهبری توماس کریستین داوید و فرهاد مشکات تجارب ارزنده‌ای کسب کرد. در سال‌های پایانی دانشکده به دعوت هوشنگ ابتهاج که سرپرست برنامه گل‌های تازه در رادیو بود، مسئولیت موسیقی برنامه گل‌های تازه را عهده‌دار شد. شهبازیان از اواسط دهه ۱۳۵۰ در زمینه موسیقی متن فیلم نیز فعالیت مبسوطی داشته است. پس از انقلاب و در دهه ۶۰ نیز با توجه به محدودیت‌های اعمال شده بر موسیقی باکلام و خوانندگان، شهبازیان بیشتر تمرکز خود را بر ساخت موسیقی متن فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی معطوف کرد؛ جایی که مجال بیشتری به آهنگ‌ساز برای فعالیت داده و تا حدی از گزند سانسور در امان بود. او برای بسیاری از فیلم‌های سینمایی ماندگار و موفق موسیقی ساخت که برخی از این آثار موسیقایی جوایز بسیاری را در جشنواره‌های داخلی و خارجی برایش به همراه داشت. شهبازیان از مهر ۱۳۹۵ تا فروردین ۱۳۹۸ رهبری ارکستر ملی ایران را در دست داشت و پس از استعفا از مدیریت هنری و رهبری دائم ارکستر ملی ایران به عنوان مشاور موسیقی بنیاد رودکی منصوب شد که در ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۸ از این سمت نیز کناره‌گیری کرد.

هم‌کاری با مشاهیر هنر

فریدون شهبازیان به عنوان یکی از برجسته‌ترین آهنگ‌سازان ایران، همواره با هنرمندان مختلفی از حوزه‌های موسیقی، سینما، تئاتر و ادبیات هم‌کاری داشته است. این همکاری‌ها منجر به خلق آثار ماندگاری شده است که در تاریخ موسیقی ایران ثبت شده‌اند. همکاری با خوانندگان: شهبازیان برای بهترین صداهای زن و مرد ایرانی موسیقی نوشت از محمدرضا شجریان تا گیتی پاشا، از علیرضا افتخاری و محمد اصفهانی تا خدیجه دده بلا (مهیستی).

از کلاسیک‌های موسیقی ایرانی هم‌چون عهدیه و سیما بینا، سیمین غانم و عبدالوهاب شهیدی تا ایرج و اکبر گلپا. در موسیقی مدرن هم برای جوانان دهه ۷۰ و از علیرضا عصار و حسین زمان موسیقی نوشت و آنان با آثار او صاحب‌نام شدند.

همکاری با سینماگران: شهبازیان تا پیش از انقلاب برای سه فیلم موسیقی ساخت و بخش بزرگی از آثارش بعد از انقلاب و برای فیلم‌سازی چون داریوش مهرجویی، مسعود کیمیایی، سیروس الوند، مسعود جعفری‌جوینی، فریدون جیرانی، رسول ملاقلی‌پور... بود و موسیقی او به بسیاری از فیلم‌های ایرانی هويت بخشیده است. موسیقی او که تلفیقی از سنت و مدرنیته بود به بسیاری از فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی جان بخشیده و آن‌ها را در ذهن مخاطبان ماندگار کرده است. اما در میان همه این آثار موسیقی فیلم «لیلا»ی داریوش مهرجویی چنان با جان اثر حرکت می‌کرد که اندوه جانکاه روی چهره لیلا حاتم‌ی را نقش می‌زد. استفاده هوشمندانه شهبازیان از تکنوازی سه‌تار ایرانی برای نشان دادن این اندوه بسیار دقیق بود. از جمله مواردی بود که شهبازیان از ساز و موسیقی ردیف دستگاهی ایرانی استفاده کرد. دلایل متعددی دارد از جمله اینکه لیلا گرفتار یک تفکر سنتی بود و موسیقی او باید از دل یک دل‌تنگی رازآمیز و درآمیخته با سنت می‌آمد و شهبازیان با نت‌ها تزیینی این نغمه را چنان ساخت که در فیلم لیلا هم رد و نشان آشکاری نداشت و هم به جان هر مخاطبی نقشی می‌زد. شهبازیان برای «پایتیان» رسول صدرعاملی هم موسیقی تأثیرگذاری ساخت و برای سریال «معصومیت از دست‌رفته» اود میریاقری، نگاهی به موسیقی عربی و منطقه داشت که با صدای محمد اصفهانی در تیتراژ تأثیرگذار بود. آهنگ‌سازی فیلم‌ها و سریال‌هایی چون اسب (مسعود کیمیایی - ۱۳۵۶)، آقای هیروگلیف (غلامعلی عرفان - ۱۳۵۹)، دادشاه (حبیب کاوش - ۱۳۶۲)، میرزا کوچک خان (امیر قویدل - ۱۳۶۲)، شیر سنگی (مسعود جعفری‌جوینی - ۱۳۶۵)، سریال آوای فاخته (بهمن زرین‌پور - ۱۳۷۵)، هیوا (رسول ملاقلی‌پور - ۱۳۷۷)، شام آخر (فریدون جیرانی - ۱۳۸۰)، خاموشی دریا (وحید موسائیان - ۱۳۸۲)، سریال کلاه پهلوی (سید ضیاءالدین دری - ۱۳۸۳-۱۳۸۹)، اخراجی‌ها (مسعود دهنمکی - ۱۳۸۵) و مظفرنامه (محمدرضا ورزی - ۱۳۸۶) از دیگر آثار او در حوزه آهنگ‌سازی فیلم و سریال هستند.

همکاری با اهالی ادب: وقتی به پیشنهاد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان قرار می‌شود، شهبازیان آثاری تولید کند تا شاعران هم‌روزگارش آثار شاعران کلاسیک را بخوانند، زندگی‌اش با شعر کلاسیک ایرانی و خداوندگاران ادبیات گره می‌خورد. آهنگ‌سازی برای خوانش رباعیات خیام و غزل‌های حافظ با صدای احمد شاملو نقطه آغاز این بخش از فعالیت‌های شهبازیان بود و هم‌کاری او و شاملو به خوانش شاملو از آثار خودش هم رسید و «کاشفان فروتن شوکران» با قطعات شهبازیان چنان شنیدنی شد که گاه از شعر و صدای شاعر پیشی می‌گرفت. همکاری شهبازیان فقط به شاملو محدود نشد و با مهدی اخوان ثالث و سعیدی خوانی هوشنگ ابتهاج ادامه پیدا کرد.

سبک موسیقایی

فریدون شهبازیان سبکی منحصر به فرد و تلفیقی داشت. موسیقی او تلفیقی از موسیقی کلاسیک ایرانی و غربی بود که با ملودی‌های دل‌نشین و تنظیم‌های دقیق شناخته می‌شد.

ویژگی‌های بارز سبک موسیقی شهبازیان عبارتند از:

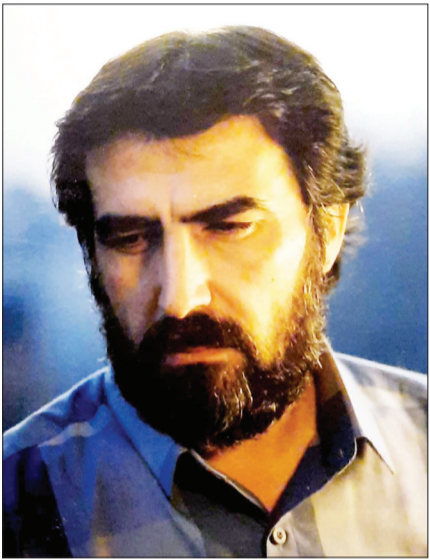
■ تلفیق موسیقی سنتی و کلاسیک: او با مهارت خاصی توانست عناصر موسیقی سنتی ایرانی مانند دستگاه‌ها و گوشه‌ها را با هارمونی و ساختار موسیقی کلاسیک غربی ترکیب کند. در آثار شهبازیان هم از سازهای ایرانی مانند تار، سه‌تار و کامنچه و هم از سازهای غربی مانند ویولن، ویولن‌سل و پیانو استفاده شده است.

■ ملودی‌های ماندگار و به یاد ماندنی: بسیاری از ملودی‌های ساخته شده توسط شهبازیان به سرعت در دل مردم جای گرفت و به آهنگ‌هایی ماندگار تبدیل شدند.

■ توجه به شعر و ادبیات: شهبازیان به شعر و ادبیات علاقه زیادی داشت و بسیاری از آثارش بر اساس اشعار شاعران بزرگ ایرانی ساخته شده است.

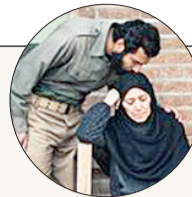
سبک موسیقایی شهبازیان بر نسل‌های بعدی آهنگ‌سازان ایرانی تأثیر بسزایی گذاشت. او با تلفیق موفق موسیقی سنتی و کلاسیک، راه را برای آهنگ‌سازان جوان هموار کرد تا بتوانند با آزادی بیشتری در عرصه موسیقی فعالیت کنند. برخی از کارهای شهبازیان در زمره پرشنونده‌ترین آثار موسیقی بعد انقلاب به شمار می‌رود که از جمله آن‌ها می‌توان به آهنگ‌سازی او روی موسیقی بوی گل (شبانگهان) با صدای عبدالحمین مختابا، تنظیم و آهنگ‌سازی روی آلبومی مشترک با عباس خوشدل و علیرضا افتخاری و برخی دیگر از آثار موسیقایی او اشاره کرد. تجربه او در موسیقی رادیو در سال‌های پیش از انقلاب و سال‌های ابتدایی دهه ۷۰ او را در جایگاهی نشاناد تا بتواند جریانی موثر

را در موسیقی پاپ بعد انقلاب کلید بزند، به همین دلیل است که او را بسیاری پدر موسیقی پاپ پس از انقلاب نام نهاده‌اند. او معرف برخی از خوانندگان پاپ به خصوص محمد اصفهانی به جامعه موسیقی بود.



شهبازیان به روایت ابتهاج

هوشنگ ابتهاج از جمله چهره‌های مهم و تأثیرگذاری بود که چند دهه با فریدون شهبازیان هم‌کاری و رفاقت داشت. ابتهاج در کتاب «پیر پرنیان‌اندیش» که خاطراتش را بازگو کرده درباره ویژگی آثار فریدون شهبازیان و جایگاه او در موسیقی ایران می‌گوید: «بیندیدی آدمایی که تو ایران موسیقی ارکستری کار کردن به از این که چی کار کنند، ارکستر خوش صدا بشه کمتر توجه کردن؛ به علتش هم به نظر من اینه که می‌خواستن همه سازها رو با هم استفاده کنند فکر نمی‌کردن که چه سازی باید صدای این قطعه رو تولید بکنه و این حالت و شخصیت رو تشون بده، در نتیجه سازها براشون مثل آجر پاره بود و بعد ترکیب سازها را طوری انتخاب می‌کردن که به خوش‌صوتی توش بود... هنوز هم این طوره متأسفانه. شهبازیان به این مسأله توجه داشت. کارهای ارکستری شهبازیان فوق‌العاده لطیفه؛ چه کارهای خودش و چه وقتی کار دیگرانو اجرا می‌کنه... به همین علت من یکی از دشمنان خوبی آقای شهبازیانم (لبخند می‌زند). که این آدم با این استعداد حیرت‌آور چرا این قدر کم کاری می‌کنه؟! گوش خیلی دقیقی هم داره شهبازیان، حیرت‌آور اصلاً... آهنگ‌ساز فوق‌العاده خوبی... به نظرم شهبازیان شهید شده. اگه تبلی نمی‌کرد الان بهترین آهنگ‌ساز ایران بود.» ابتهاج در بخش دیگری از این کتاب به همکاری‌اش با شهبازیان در رادیو اشاره می‌کند و می‌گوید: «رادیوچی‌ها ناچار بودن به من احترام کنن چون من احترام‌شون رو نگه می‌داشتم... رادیوچی‌ها مثل بدبغی و حتی تا حدودی تجویبی در ظاهر خوب برخورد می‌کردند... در ظاهر خوش و بش می‌کردن با من ولی کار نمی‌دادن به ما. به روز فریدون شهبازیان به من گفت که: آقا به ما آهنگ نمی‌دن. گفتیم: غصه نخور. من هزار تا آهنگ دارم. با تعجب منو نگاه کرد و خیال کرد که من خودم آهنگ می‌سازم. گفتیم: بازسازی کارهای قدیمی‌ها. این کارو کردیم و گرفت. چند نفر و مأمور کردیم نشستن از روی صفحه‌ها، شعرها رو نوشتن، یادمه فریدون مشیری هم می‌اومدم... چند نفر هم نت می‌کردن و به هر حال شروع کردیم به بازسازی آثار قدیمی‌ها. چند نفر مثل جواد معروفی، یادش به‌خیر، خیلی آدم نجیب و شریفی بود و همایون خرم با ما کار می‌کردن و تو این باندبازی‌ها نبودن.» یلسدا ابتهاج، دختر هوشنگ ابتهاج پس از درگذشت فریدون شهبازیان در صفحه اینستاگرامش با اشاره خاطرات روزهای رادیو و هم‌کاری شهبازیان و سایه نوشتست: «روز با خبر ناگوار درگذشت فریدون شهبازیان آغاز می‌شود و چه خبر تاختی. مانده‌ام و می‌بینم رفتن یکی یکی دوستان و عزیزان را، هر آن‌که از دوران کودکی و نوجوانی آشنای تو بود، هر آن‌که او گوشه‌ای از زندگی تو رنگی داشت. با این همه بی‌رنگی چه باید کرد؟ فریدون شهبازیان را از نوجوانی می‌شناختم. بارها همراه پدرم در رادیو ایشان را دیده بودم. ویلنسل به‌دوش از هنرستان عالی موسیقی راهی اداره رادیو می‌شدم. پدرم را هرگز در اتاقش پیدا نمی‌کردم. در آخر در استودیوهای رادیو او را می‌یافتم. بارها فریدون شهبازیان را هنگام تمرین یا ضبط و اجرای قطعات دیده بودم. پدرم به ایشان خیلی مهر و احترام داشتند. همیشه و همه جا از دقت و وسواس و گوش دقیق و سلیقه خوب موسیقایی‌شان می‌گفتند. در این سال‌ها هنوز با ایشان در تماس بودم و بارها برای گفت‌وگوی زنده قرار گذاشتیم که هر بار به علت بیماری یا پروژه ضبط کاری فرصت دست نداد. افسوس... در پیامی بعداز درگذشت سایه برام نوشتند: «سلام یلدا جان، خوب باشی عزیزم، تسلیت صمیمانه مرا به خاطر سفر بهیشتی پدر پذیرا باش، سلامت و موفق باشی.» امروز دریغ خودشان به سفری ابدی رفتند. درگذشت ایشان را به خانواده و دوستان و همکاران و دوستداران موسیقی تسلیت می‌گویم.»



بازگشت رویا افشار با اشک هور

رویا افشار که پنج سال قبل سیمرغ بلورین بهترین بازیگر زن را از جشنواره فجر گرفت، امسال با فیلم «اشک هور» به جشنواره می‌آید. رویا افشار در سی و نهمین دوره جشنواره فیلم فجر برای بازی در فیلم «امان» جایزه نقش اول را گرفت. فیلم سینمایی «اشک هور» به نویسندگی و کارگردانی مهدی جعفری و تهیه‌کنندگی مجتبی فرآورده ساخته شده؛ روایتی از روزهای پایانی زندگی شهید علی هاشمی است.



مینیون‌ها قبل از شرک می‌آیند

یونیورسال پیکچرز اعلام کرد، تاریخ‌های اکران دو انیمیشن پرفشار جابه‌جا شد. انیمیشن «شرک ۵» محصول دریم‌ورکس که قرار بود در جولای ۲۰۲۶ اکران شود به ۲۳ دسامبر ۲۰۲۶ منتقل شده، درحالی که «مینیون‌ها ۳» محصول ایلومینیشن به جای تاریخ برنامه‌ریزی شده ۲۰ ژوئن ۲۰۲۷ در تابستان ۲۰۲۶ به روی پرده می‌رود. «شرک ۵» به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد این مجموعه انیمیشن اکران می‌شود.



رونمایی از فیلم تازه کارگردان انگل

فیلم «میکی ۱۷» ساخته بونگ جون هو در جشنواره فیلم برلین روی پرده می‌رود. این فیلم که با بودجه ۱۱۸ میلیون دلاری ساخته شده براساس رمان علمی-تخیلی با همین نام نوشته اداوارد اشتون در سال ۲۰۲۲ ساخته شده و رابرت پتینسون در نقش یک کارمند یک بار مصرف به نام میکی بارنز به ایفای نقش می‌پردازد. داریوش خنجی، فیلمبردار ایرانی تبار مدیر فیلمبرداری فیلم است.

گزارش سینمای جهان

هالیوود آخرالزمانی شد

وسعت آتش‌سوزی خسارات زیادی به بوری هیلز دیزنی و خانه هنرمندان وارد کرد

در پی وقوع آتش‌سوزی مهیب و گسترده در لس‌آنجلس، استودیوهای فیلمسازی مطرح هالیوودی کمک‌هایی را برای بازسازی مناطق آسیب دیده اختصاص دادند. با ادامه آتش‌سوزی‌های گسترده در شهرستان لس‌آنجلس که بیش از ۱۰ هزار سازه را تخریب کرده، جان چندین نفر را گرفته و ده‌ها میلیارد دلار خسارت وارد کرده است، استودیوهای فیلمسازی تلاش‌هایی را برای کمک آغاز کرده‌اند. شرکت دیزنی واقع در منطقه برینک کالیفرنیا، اعلام کرد که مبلغ ۱۵ میلیون دلار را به تلاش‌های امدادی مختلف اختصاص خواهد داد. این بودجه برای سازمان‌هایی مانند صلیب سرخ آمریکا، بنیاد آتش‌نشانی لس‌آنجلس، بانک غذای منطقه‌ای لس‌آنجلس و سایر نهادها در نظر گرفته شده است. باب ایگر، مدیرعامل دیزنی در این باره گفت: «همان‌طور که این تراژدی همچنان در حال گسترش است، شرکت والت دیزنی متعهد به حمایت از جامعه و کارکنان خود است، در حالی که همه ما با هم برای بازیابی و بازسازی از این ویرانی بی‌سابقه تلاش می‌کنیم. والت دیزنی با چیزی جز تخیل بی‌پایان خود به لس‌آنجلس آمد و اینجا را به عنوان خانه‌اش انتخاب کرد، رویاهاش را دنبال کرد و داستان‌های خارق‌العاده‌ای خلق کرد که برای بسیاری از مردم جهان معنادار است. ما افتخار می‌کنیم که در این لحظه مهم به این جامعه قوی و پرجنب‌وجوش کمک کنیم. به گزارش هالیوود ریپورتر، هم‌زمان، مدیران مشترک شرکت پارامونت گلوبال، برایان رابینز، کریس مک‌کارتی و جورج چیکس در یادداشتی به کارکنان اعلام کردند که این شرکت مبلغ یک میلیون دلار به بنیاد آتش‌نشانی لس‌آنجلس، بنیاد آتش کالیفرنیا، صلیب سرخ، سازمان‌های امداد مستقیم، آتش‌پزخانه مرکزی جهانی و دیگر نهادهای مرتبط اهدا خواهد کرد. مدیران پارامونت نوشتند: «با ادامه وقوع آتش‌سوزی‌های گسترده در بخش‌هایی از لس‌آنجلس که باعث ویرانی عظیمی برای خانواده‌ها، خانه‌ها و جوامع شده است، قلب ما با تمام کسانی است که تحت تأثیر این تراژدی قرار گرفته‌اند به ویژه کسانی که خانه‌هایشان را از دست داده‌اند یا آواره شده‌اند. ما همچنان به حمایت از کارکنان خود که در این زمان بسیار دشوار آسیب دیده‌اند، متعهد هستیم». آتش‌سوزی‌های گسترده در لس‌آنجلس به ویرانی محله‌های پرجمعیت و خانه‌های بسیاری از سلبریتی‌ها چون مل گیسسون، آنتونی هاپکینز، مندی مور و پاریس هیلتون منجر شده است. مل گیسسون، میلو و تیمیگلیا و بنجامین ریگی از جمله افراد مشهوری هستند که اخیراً تأیید کرده‌اند خانه‌هایشان در آتش‌سوزی‌های ویرانگر لس‌آنجلس نابود شده است. آتش‌سوزی در منطقه پاسیفیک پالیسیز، که یکی از مخرب‌ترین آتش‌سوزی‌ها محسوب می‌شود، نزدیک به ۷ هکتار از یکی از مناطق مرفه لس‌آنجلس را در بر گرفته که محل زندگی ده‌ها فرد مشهور است و بیش از ۲۰۰ هزار نفر خانه‌های خود را تخلیه کرده‌اند. ده‌ها ستاره سینما پس از تخلیه خانه‌هایشان در شبکه‌های اجتماعی وضعیت خود را با طرفداران به اشتراک گذاشتند. برخی نیز اعلام کردند که خانه‌هایشان نابود شده است. خانه مل گیسسون، بازیگر مشهور و برنده اسکار کاملاً نابود شده است. او در مصاحبه‌ای اعلام کرد که پسرش که یک آتش‌نشان داوطلب است، ویدیویی از محله‌شان ارسال کرده که کاملاً در آتش است. خانه متعلق به میلو و تیمیگلیا، بازیگر سریال «این ما هستیم» نیز در آتش سوخته است. و تیمیگلیا اعلام کرد که هنگام تخلیه فقط توانسته سنگ خود را همراه برد. بنجامین ریگی، بازیگر استرالیایی نیز خانه خود را به‌طور کامل از دست داده است. آنتونی هاپکینز بازیگر برنده اسکار، آنا فارسی، جف بریجز و پاریس هیلتون از جمله دیگر چهره‌های سرشناسی هستند که خانه خود را در جریان آتش‌سوزی گسترده در لس‌آنجلس از دست داده‌اند. بسیاری از افراد مشهور نیز به حمایت از قربانیان پرداخته و کمک‌های مالی ارائه کرده‌اند. جیمی لی کرتیس ۱ میلیون دلار به صندوق حمایت از مناطق آسیب‌دیده اختصاص داده است و کمیانی دیزنی ۱۵ میلیون دلار و پارامونت هم یک میلیون دلار به تیم‌های امدادی و بازسازی، کمک مالی کردند. «بن افلک» اوایل روز چهارشنبه مجبور به تخلیه خانه خود شده است. در این گزارش آمده است که او پس از تخلیه به منزل «جنیفر گارنر» رفته و به دو فرزند مشترکشان پیوسته است. یکی از خانه‌های «لئوناردو دی‌کاپریو» طعمه شعله‌های حریق شد. این ملک در بلوار ساحلی مالیبو قرار داشت و در سال ۲۰۲۱ پس از دو دهه به قیمت ۱۰ میلیون دلار فروخته شد.



صداسوسیمای هزینه درست می‌کند. نباید به خاطر جلیلی برچسب میلی بودن به صداسوسیمای بخورد. آقای جلیلی در بهترین حالتش با بدترین آدم ۵ درصد تفاوت مدیریتی دارد و نباید ما برای ایشان آنقدر هزینه بدهیم». سرلک با انتقاد از بیرون راندن چهره‌های شناخته شده این سازمان، تأکید کرد: «چرا باید صداسوسیمای یک آدمی که بزرگ کرده و معتبرش کرده (را حذف کند؟) اصلاً صداسوسیمای مگر می‌شود بدون چهره جلو برود؟ جزو حرف‌های جلیلی این بوده که صداسوسیمای در اختیار سلبریتی‌ها بوده و با این شمار آمدند، سلبریتی‌ها را لت‌وپار کردند. بعد از یک مدتی با چه سلام و صلواتی و تحویل گرفتند و دستمزدهای افسانه‌ای عجیب‌وغریب که مثل باج می‌ماند (برگردانند)».

او با ذکر پیشنهادی درباره مدیریت این رسانه گفت: «فکر می‌کنم، جمعی از عقلا قدیمی صداسوسیمای را بیاورید یک جمعی از امثال آقای پورمحمدی بیایند و بنشینند آدم‌هایی که به غلط یا به درست از این مجموعه‌ای که بضاعت جمهوری اسلامی است، رفته‌اند از مجری کارشناس (را بازگردانند) آقا تعابیری مانند آسایشگاه و قرارگاه را برای اینجا به کار برند. برخی از اینها حتماً نکته‌های دارند... زبان ما بسته است و نمی‌توانیم چیزی بگوییم».

سرلک تأکید کرد: «همین حالا آقای خاکپور درباره ورزشگاه آزادی حرفی زده است (این اتفاق) بهترین پاس گل است به صداسوسیمای که در این باره توضیح بدهد. چرا از ظرفیت تبیین خود استفاده نمی‌کنند... سریع حذف می‌کنند... مگر اینجا به راحتی به دست آمده‌اند. من فکر می‌کنم صداسوسیمای راجع به نیروی انسانی بی‌محابا تصمیم می‌گیرد و سرمایه‌های بزرگ خود را از دست داده است. من چون شما را قبول دارم و دوستان دارم اینها را می‌گویم».

فایل صوتی این اظهارات در حالی منتشر شده است که هم‌زمان با این اتفاق در فضای مجازی، گزینه‌های تازه‌ای برای مدیریت سازمان صداسوسیمای نام برده می‌شود. در این میان از احسان محمدحسینی، مدیرعامل سابق سازمان فرهنگی رسانه‌ای اوج و محمدحسین صفارهرندی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام هم نام برده می‌شود.

طرد کردن چهره‌های شاخص و برنامه‌های آنها سبب افت شدید تماشاگران تلویزیون و کاهش شدید تأثیرگذاری آن بر قشرهای مختلف جامعه شد. حالا مخاطبانی که گرایش به شبکه‌های ماهواره‌ای داشتند از تلویزیون روی برگردانند و آنهایی که شبکه خانگی را ترجیح می‌دادند به پای برنامه‌های آن نشستند. کاهش مخاطبان سیمای مصادف با افزایش تولیدات شبکه خانگی شد که تلویزیون به دلیل تسلطی که بر تولید و پخش برنامه‌های آن دارند نه این شبکه را به عنوان بازوی فرعی بلکه رقیب خود فرض می‌کرد. همان‌هایی که در سال‌هایی که چندین دور در تلویزیون برنامه تولید می‌کردند به شبکه خانگی کوچ کرده و افرادی مانند احسان علیخانی، سروش صحت، عادل فردوسی‌پور، مهران مدیری و رامبد جوان برنامه‌های پر بیننده‌ای را برای این شبکه‌ها تولید می‌کنند. برنامه‌هایی که همچنان مخاطب دارد و اتفاقاً آنها با دستمزدهای بالاتر و دست‌بازتر در این شبکه‌ها مشغول به کار شدند. به طوری که دیگر حاضر نیستند به خانه خود و رسانه‌ای که باعث شهرت و محبوبیت آنها شده بود، بازگردند.

حالا همه اینها که بارها در رسانه‌های مختلف آمده و سیل انتقادات را روانه مدیران صداسوسیمای کرده از زبان روحانی گفته می‌شود که خود یکی از کارشناسان مذهبی این رسانه است و از اعتبار خاصی در این سازمان برخوردار است.

سرلک خطاب به جلیلی گفته است: «با توجه به شناخت عمومی که دارم شما متخصص‌ترین رئیس صداسوسیمای جمهوری اسلامی هستیم که تمام عرصه‌های فرهنگی و رسانه‌ای و خبری و مدیریتی برون‌مرزی و داخلی را تجربه کردید ولی جنس مدیریتی که اینجا صورت می‌گیرد به شدت متهم است. آقای جلیلی که روبروی ما نشسته قبل از اینکه به صداسوسیمای بیاید، منتقد بزرگ آن بوده است. ایشان آدم باهوشی است و خیلی کم مصاحبه می‌کند در دوره مدیریتش. اما الان من یک نفر را ندیدم که از ایشان راضی باشد، ایشان اتهام بزرگ دوره مدیریت شمامست».

او با ابراز نگرانی از هزینه‌هایی که حضور جلیلی برای این سازمان به وجود آورده است، ادامه داد: «جلیلی برای

چند روز گذشته یک فایل صوتی از جلسه وعاظ با پیمان جلیلی، رئیس صداسوسیمای منتشر شده است که از انتقادات تند حجت‌الاسلام سرلک از رئیس صداسوسیمای وحید جلیلی قانم‌مقامش می‌گوید. انتقاداتی مشابه آنچه که تا پیش از این توسط رسانه‌های مختلف از جمله روزنامه سازندگی مطرح شده بود اما این بار توسط یک روحانی آن هم در جلسه‌ای چشم‌درچشم رئیس رسانه ملی و قانم‌مقام او یعنی وحید جلیلی عنوان شده که ابتدا از کانال‌های مجازی سر درآورد و پس از آن به خبرگزاری‌ها و رسانه‌های رسمی هم رسید.

حجت‌الاسلام علی سرلک، مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه هنر بوده و عضو هیات علمی این دانشگاه است. علی سرلک متولد سال ۱۳۵۰ در الیگودرز است و دارای مدرک سطح ۴ حوزه علمیه و هم‌اکنون مشغول تحصیل دروس خارج حوزه است. از مهم‌ترین اساتید او می‌توان به حضرات آیات جوادی‌آملی، هاشمی‌شاهرودی، مقام معظم رهبری، میرباقری، آذینوند و علیدوست اشاره کرد. حجت‌الاسلام سرلک در زمینه‌های تعلیم و تربیت اسلامی، مشاوره ازدواج و خانواده با صداسوسیمای همکاری دارد.

جالب اینجاست که انتقادات این استاد حوزه و دانشگاه همان‌هایی است که بارها در رسانه‌های مختلف از مدیریت رسانه ملی ذکر شده اما جلیلی از آن به عنوان انتقادات بی‌پایه و اساس همراه با کینه‌توزی یاد کرده و آنها را به مخالفان نسبت داده است. در حالی که چنین انتقاداتی به دلیل شرایط حاکم بر رسانه ملی و از دست رفتن سرمایه‌های این رسانه می‌شد. مدیریت فعلی سازمان از ابتدا با هدف ریل‌گذاری تازه و آفریدن چرخ از ابتدا به این رسانه وارد شد و چنان به مدیران قبلی این سازمان تاخت و شیوه‌های مدیریتی آنها را زیر سوال برد که گویی قرار است همه چیز کن فیکون شده، انقلابی در سازمان صداسوسیمای صورت گیرد و با نیروهای جدید و تازه‌نفس برنامه‌هایی تولید شود که تماشاگر میلیونی را به همراه داشته باشد. غافل از اینکه این سازمان تماشاگران خود را مدیون برنامه‌های و نیروهای بود که در آن کم‌کم ساخته و پرداخته و تربیت شده بود و با حفظ قواعد و شرایط آن و خطوط قرمز رسانه ملی دست به تولید برنامه‌هایی می‌زدند که هم تماشاگران را راضی نگه می‌داشت و هم منتقدان را جذب می‌کرد. اما از آنجا که مدیریت فعلی به اقدامات انقلابی خود کرده، تصور این بود که باید در رسانه ملی انقلاب کند، قبلی‌ها را از این سازمان طرد کرده و نیروهای خودی را با خود به این رسانه بیاورد، دست به تصفیه سازمانی زد. بسیاری از مدیران شبکه‌ها که سال‌ها توانایی و اعتبار خود را ثابت کرده بودند از کار بیکار شدند. نهادهای تازه مانند سیمرغ در کنار سازمان عریض و طویل فعلی شکل گرفت که هر یک مدیران و نیروهای تازه‌ای داشت که خود به فریبتر شدن این سازمان و افزایش هزینه‌های آن انجامید. مرکز سیمرغ تبدیل به موسسه‌ای شد که همه آنها فعالیت‌هایی که پیش از این در سازمان انجام می‌شد به آن سپرده بدون اینکه دلیل موجه و منطقی برای بیرون بردن این فعالیت‌ها از سازمان صداسوسیمای وجود داشته باشد.

اما مهم‌تر از آن این بود که خروجی این موسسه و دیگر تولیدات سازمان هم آن‌طور نبود که مورد توجه مخاطبان قرار گیرد. «سیدخندان» توانست جای «خندوانه» را بگیرد و «دیدنی نو» و «داستان شد» آنقدر ضعیف، دم‌دستی و سطحی تولید شدند که حتی یک درصد از تماشاگران (کتاب‌باز) را هم جذب نکردند.

دیدگاه: یادداشت اجتماعی

تمرکز بر اصلاح تهران

به جای هزینه تراشی فکر راهکار باشیم

راضیه رهنما

پژوهشگر دوره دکتری شهرسازی
دانشگاه علامه طباطبائی

انتقال پایتخت یکی از موضوعاتی است که طی چند دهه اخیر در ایران بارها مطرح شده و همچنان در زمره مباحث چالش برانگیز قرار دارد. در ادبیات شهرسازی و علوم میان‌رشته‌ای، «فضا» مفهومی پیچیده و چندبعدی است که در تعاریف متناخر آن، بر تعامل میان مناسبات اجتماعی، اقتصادی و کالبدی تاکید می‌شود. از این منظر، فضا دیگر محدود به ابعاد زیرساختی یا کالبدی نیست، بلکه برآیند کنش‌های متقابل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که در بستر کالبدی متجلی می‌شود. این نگرش نوین بر این واقعیت دلالت دارد که مسائل کلانشهری، از جمله پایتخت‌ها، باید با رویکردهای جامع‌نگر و چندبعدی مدیریت شوند؛ چراکه کیفیت زندگی، توزیع عادلانه منابع و خدمات و ظرفیت‌های زیستی، به اندازه توسعه زیرساخت‌های فیزیکی حائز اهمیت‌اند. در شرایط کنونی، تهران با معضلات زیستی گوناگونی مواجه است. آلودگی هوا که پایتخت را به یکی از آلوده‌ترین کلانشهرهای جهان مبدل کرده، تأثیری مخرب بر سلامت عمومی داشته و بحران تراکم جمعیتی و اقتصادی، کیفیت زندگی شهروندان را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. افزون بر این، محدودیت منابع آب و انرژی، فشار بی‌سابقه‌ای بر زیرساخت‌های این کلانشهر تحمیل کرده است.

در چنین فضایی، برخی ایده انتقال پایتخت را راهکاری برای کاهش فشار بر تهران قلمداد کرده‌اند؛ ایده‌ای که حتی تا تعیین منطقه پیشنهادی پیش رفته است؛ اما این پرسش بنیادین باقی است که آیا انتقال پایتخت می‌تواند به راستی گره‌ای از مشکلات زیستی و زیربنایی تهران بگشاید؟ براساس مصوبات قانونی از دهه ۱۳۹۰، «طرح جامع ساماندهی پایتخت» دولت را مکلف به انجام مطالعاتی جامع در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و زیرساختی کرده است. هدف این مصوبه، کاهش بار زیستی و اداری تهران و بسترسازی برای انتقال به منطقه‌ای با ظرفیت‌های زیستی بالاتر بوده است. با این حال، اجرای این طرح تاکنون نتوانسته به اجماعی در میان نخبگان و جامعه منجر شود. مناسبات قدرت و ساختارهای متداخل اقتصادی و سیاسی، در کنار آسیب‌هایی چون رانت‌خواری و تقابل منافع، مانع از تحقق اهداف عمومی و منفعت جمعی شده است. در واقع، انتقال پایتخت بدون شفاف‌سازی و آسیب‌شناسی دقیق، نه تنها مشکلات کنونی را حل نخواهد کرد، بلکه چالش‌های تازه‌ای از جمله افزایش نابرابری، تعمیق تضادهای اقتصادی-اجتماعی و انباشت هزینه‌های هنگفت بر دوش جامعه خواهد گذاشت. این فرآیند، بیشتر شبیه به دوییدن روی تردمیل است؛ حرکتی ظاهری که پیشرفت واقعی در راستای منافع عمومی به همراه ندارد. آنچه اکنون ضرورت دارد، تمرکز بر توسعه پایدار و اصلاحات ساختاری در بطن شهر تهران و سایر کلانشهرهاست. تقویت زیرساخت‌های مناطق میانی، تمرکززدایی از طریق بازتعریف نقش‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی سایر مناطق و بهره‌گیری از تجارب جهانی در تعریف پایتخت‌های متعدد، می‌تواند به توزیع عادلانه منابع و ارتقای کیفیت زیست در کشور منجر شود. با این حال، نباید از واقعیت‌گریخت که مسائل کنونی کشور دیگر از جنس معضلات ساده و قابل کنترل نیستند؛ بلکه به مسائل سرکش و چندلایه بدل شده‌اند که برای مدیریت آنها به بینشی عمیق و جامع نیاز است. در چنین شرایطی، جامعه امروز دیگر پذیرای هزینه‌های غیرضروری و تصمیماتی از بالا به پایین نیست. هرگونه تصمیم‌گیری کلان، به‌ویژه در موضوعاتی همچون انتقال پایتخت، باید مبتنی بر مشارکت عمومی و درک متقابل مردم و حاکمیت باشد. مردم نه تنها ذی‌نفعان، بلکه متولیان اصلی هر طرح و برنامه‌ای هستند که تأثیری بنیادین بر آینده کشور دارد.

بدون تکیه بر این اصل، هر تصمیمی جز اتلاف منابع و تشدید بحران‌ها نتیجه‌ای در پی نخواهد داشت. به علاوه می‌توان گفت، انتقال پایتخت در قالب یک رویکرد کلاسیک، هرچند به ظاهر پاسخی برای معضلات کنونی تهران به نظر می‌رسد، اما در واقعیت چالش‌های پیچیده‌تری را به همراه خواهد داشت. به جای تمرکز بر این ایده، پیشنهاد می‌شود نظام چندپایتختی برای ایران تعریف شود؛ مدلی که نه تنها در بسیاری از کشورهای جهان موفق بوده، بلکه می‌تواند با توجه به تنوع فرهنگی، جغرافیایی و اقتصادی ایران، راهکاری منطقی و کارآمد باشد. این مدل نه تنها به تمرکززدایی از تهران کمک می‌کند، بلکه توزیع عادلانه‌تر منابع و امکانات را در سطح کشور امکان‌پذیر می‌سازد. همچنین، با کاهش فشار بر تهران، فرصت برای بازآفرینی شهری و بهبود کیفیت زندگی در این کلانشهر فراهم خواهد شد.



شدت بیماری hmpv

قباد مرادی، سرپرست مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر گفت: شدت بیماری‌زایی بیماری hmpv مانند بیماری آنفلوآنزاست و اصل در تمام بیماری‌های ویروسی رعایت بهداشت فردی و اجتماعی مانند فاصله‌گذاری خواهد بود. سازمان جهانی بهداشت وضعیت بحرانی با اضطراری اعلام نکرده و وضعیت این بیماری در ایران عادی است. تا به امروز کیت‌های آزمایشگاهی تشخیص این ویروس در ایران به میزان کافی وجود داشته‌اند.



۲۰ درصد افزایش

محمدرضا مسجدی، دبیرکل جمعیت مبارزه با دخانیات ایران گفت: استعمال سیگار و قلیان در دختران ۱۳ تا ۱۵ سال ۱۳۳ درصد رشد داشته، همچنین مصرف قلیان در دانش‌آموزان پایه هفتم کشور به ۳۶ درصد رسیده است. امروزه بیش از ۱۴ درصد ایرانی‌ها بین سنین ۲۵ تا ۶۴ سالگی دخانیات مصرف می‌کنند. متأسفانه روند مصرف دخانیات در بانوان نسبت به آقایان حدود ۷۰ درصد افزایش داشته است.



اصلاح قیمت داروها

محمدرضا ظفرقندی، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: داروهایی که اصلاح قیمت شده‌اند اغلب تزریقی و پمادهای استریل هستند که جنبه مصرف دائمی و عمومی ندارند. ۸۰ درصد داروهای تزریقی، بیمارستانی هستند. این داروها به محض تجویز و مصرف در صورت حساب بیمارستان توسط بیمه پرداخت می‌شوند و اکنون مکانبات لازم با بیمه‌ها صورت گرفته که این مابه‌التفاوت قیمت به زودی پرداخت می‌شود.

آتش در شهر فرشتگان

تاکنون ۱۰ هزار خانه در شهر لس‌آنجلس از بین رفته و ۱۱ نفر جان باخته‌اند

مسئله آمادگی

همزمان نزاعی سیاسی در مورد آمادگی شهر برای مقابله با این بحران درگرفته است. انتشار برخی گزارش‌ها از اینکه آتش‌نشان‌ها با نبود آب کافی برای مهار آتش مواجه شده‌اند، انتقاد دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا، را به دنبال داشته است. در پاسادینا، در حدود ۱۸ کیلومتری شمال شرقی مرکز شهر لس‌آنجلس، چاد آگوستین، رئیس آتش‌نشانی گفت که برای مدت کوتاهی در این شهر فشار آب در شمار کوچکی از شیرهای آتش‌نشانی کم بود. او گفت که اکنون همه این مشکلات حل شده است. او علت این موضوع را به کشیدن همزمان آب توسط چندین ماشین آتش‌نشانی و همچنین قطع برق که باعث کاهش فشار شد نسبت داد. همچنین آب شیرهای آتش‌نشانی در بخش‌های مرتفع‌تر «پسیفیک پالیسیدز» برای مدتی تمام شد.



گوین نیوسام، فرماندار کالیفرنیا، روز جمعه گفت که دستور داده است تحقیقات مستقلی درباره کاهش فشار آب و بسته شدن یک سد کوچک آبگیری در پاسیفیک پالیسیدز انجام شود. این آبگیر قبل از شروع آتش‌سوزی برای تعمیر و نگهداری بسته شده بود. کارن بس، شهردار لس‌آنجلس، در سفری از پیش برنامه‌ریزی شده به غنا رفته بود و زمانی به شهر بازگشت که آتش‌سوزی شروع شده بود. او با سوالات انتقادآمیزی در مورد آمادگی منطقه، مدیریت او در این بحران و مشکلات مربوط به آب مواجه شده است.

قبل از وقوع آتش‌سوزی، رئیس آتش‌نشانی لس‌آنجلس در یادداشتی هشدار داد که کاهش بودجه، توانایی این اداره را برای پاسخگویی به شرایط اضطراری مختل می‌کند. ساکنان می‌گویند که نگرانی از خطر آتش‌سوزی با هشدارهای که در روز پنج‌شنبه به اشتباه به کلیه تلفن‌های همراه در لس‌آنجلس ارسال شد تشدید شد که خشم برخی را برانگیخت. حدود ۱۰ میلیون نفر در این «کاتی» زندگی می‌کنند. دومین هشدار اضطراری برای آماده شدن برای تخلیه در ساعات اولیه روز جمعه به اشتباه ارسال شد.

مقام‌های شهری صبح جمعه در یک کنفرانس خبری گفتند که درحال بررسی علت ارسال هشدار جمعی هستند و از مردم خواستند که عملکرد هشدار را در تلفن‌های خود غیرفعال نکنند، که به گفته آنها برای ارائه اطلاعات فوری، حیاتی است. ترکیبی از یک دوره هوای فوق‌العاده خشک - مرکز شهر لس‌آنجلس از اکتبر فقط چهاردهم سانتی‌متر باران دیده است - و بادهای قدرتمند فراساحلی به نام «سانتا آنا» زمینه مساعدی را برای آتش‌سوزی فراهم کرده است. به گفته سازمان ملی هواشناسی آمریکا، بادهای سانتا آنا از شرق به غرب از طریق کوه‌های جنوب کالیفرنیا جریان دارند.

گروه اجتماعی: آتش‌سوزی‌های گسترده در لس‌آنجلس از روز سه‌شنبه آغاز شده و همچنان ادامه دارد. این حوادث تاکنون منجر به مرگ حداقل ۱۱ نفر و تخریب بیش از ۱۰,۰۰۰ خانه و سازه شده است. تحقیقات اولیه نشان می‌دهد که تغییرات سریع بین دوره‌های بسیار مرطوب و خشک، که به‌عنوان «نوسانات شدید هیدرولوژیایی» شناخته می‌شود، می‌تواند از عوامل اصلی وقوع این آتش‌سوزی‌ها باشد.

خانه‌های تعدادی از چهره‌های سرشناس هالیوود در این آتش‌سوزی‌ها تخریب شده است. به گزارش رسانه‌ها، خانه‌های پاریس هیلتون، کری الویس، مندی مور، میلو و تیمیگیلیا، آنتونی هاپکینز، لیون میستر، آدام برودی و جان گودمن در آتش‌سوزی یا به طور کامل تخریب شده یا آسیب دیده‌اند.

بیش از ۱۵,۰۰۰ نفر تحت دستورات تخلیه اجباری قرار گرفته‌اند و حدود ۱۶۶,۰۰۰ نفر دیگر در حالت آمادگی برای تخلیه هستند. مراکز اسکان موقت با ظرفیت کامل فعالیت می‌کنند و بسیاری از هتل‌ها نیز به طور کامل زرو شده‌اند. شاهزاده هری و مگان مارکل با حضور در لس‌آنجلس به دیدار قربانیان آتش‌سوزی رفته و با اهدای اسباب‌بازی و ملزومات به کودکان، حمایت خود را اعلام کرده‌اند. آتش‌سوزی‌ها همچنان ادامه دارند و تنها ۸ درصد از آتش‌سوزی «Palisades» مهار شده است. پیش‌بینی می‌شود که بادهای شدید در اوایل هفته آینده وضعیت را تشدید کنند. این آتش‌سوزی‌ها به‌عنوان یکی از مخرب‌ترین حوادث در تاریخ کالیفرنیا شناخته می‌شوند و تلاش‌ها برای مهار آنها همچنان ادامه دارد.

آتش کجاست؟

مقام‌های سازمان آتش‌نشانی کالیفرنیا می‌گویند که حداقل در پنج منطقه آتش‌سوزی گسترده جریان دارد. پالیسیدز: اولین مورد آتش‌سوزی در روز سه‌شنبه در این منطقه گزارش شد که درحال حاضر بزرگترین آتش‌سوزی است و ممکن است به مخرب‌ترین حریق تاریخ کالیفرنیا تبدیل شود. این حریق ناحیه‌ای به وسعت بیش از ۲۰ هزار جریب (۸ هزار هکتار) از جمله محله لوکس پاسیفیک پالیسیدز را سوزانده است. این حریق تا صبح جمعه ۸ درصد مهار شده بود.

ایتون: این آتش‌سوزی بخش شمالی لس‌آنجلس را درنوردیده و شهرهایی مانند آلتادانا را فرا گرفته است. پس از پالیسیدز، این بزرگترین آتش‌سوزی منطقه است که حدود ۱۰ هزار و ۶۰۰ جریب را فرا گرفته و تاکنون ۳ درصد مهار شده است.

هرست: آتش در این منطقه واقع در شمال سن‌فرناندو سه‌شنبه شب شروع شد و دامنه آن تاکنون به ۷۷۱ جریب گسترش یافته و ۷۰ درصد مهار شده است.

لیدیا: این آتش در یک ناحیه کوهستانی در شمال لس‌آنجلس از بعدازظهر چهارشنبه شروع شد و تقریباً ۳۵۰ جریب گسترش یافته و ۷۵ درصد مهار شده است.

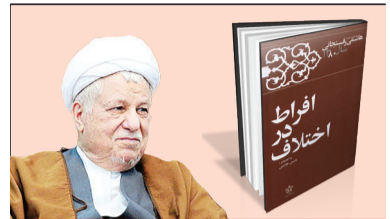
کینت: این حریق عصر چهارشنبه در فاصله میان دوکانتی لس‌آنجلس و ونچورا شروع شد که وسعت آن به هزار جریب رسیده است و حدود ۳۵ درصد مهار شده است. سه آتش‌سوزی دیگر «وودلی»، «سان ست» و «اولیواس» مهار شده است.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: سیدفاضل موسوی • سردبیر: اکبر منتجبی

زیرنظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یازفر، محمد قوجانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیراقتناعی

مدیریه: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌فر • حروف‌چین: مجتبی دیگر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اخلاق ۱۸۲

ادامه شنبه ۱۲ آبان

دیدار با وزیر امور خارجه یونان

ظهر آقایان [عباس واعظ] طیبسی، [قربانعلی] دُزی [نجف‌آبادی]، [علی‌اکبر] ناطق [نسوری] و [محمدعلی] موحدی [کرمانی]، میهمانم بودند. از ندانشتن بودجه برای اقدامات سیاسی و فرهنگی در مقابل مخالفان و مشکلات جناح راست گفتند. آقای دری گفت، جمعی از مردم نجف‌آباد به رهبری نامه نوشته‌اند و درخواست رفع حصر از آیت‌الله منتظری کرده‌اند.

عصر [آقای جورج پاپاندرو]، وزیر امور خارجه یونان آمد. با وساطت [آقای صلاح زوای]، سفیر فلسطین، وقت گرفته بودند. گفت، می‌خواهم نظر شخصی شما را در مورد مسایل جاری مبارزه با تروریسم بدانم؛ گفت: ۱- خطر تروریسم، برای همه روشن شده و روزافزون است. ۲- ایران بیش از همه از تروریسم رنج دیده است. ۳- مبارزه با تروریسم باید جهانی و همه‌جانبه باشد. ۴- سازمان ملل باید محور مبارزه باشد ۵- آمریکا با لشکرکشی به افغانستان، کار را مشکل‌تر و تروریسم طالبان را تقویت کرده است. ۶- کار آمریکا و انگلیس به نتیجه مثبتی نخواهد رسید. ۷- اتحادیه اروپا و سازمان ملل، انفعالی عمل می‌کنند. ۸- تا مساله فلسطین حل نشود، ریشه تروریسم باقی است. ۹- اگر سازمان ملل محور باشد و به صورت جامع با تروریسم برخورد شود، ایران همکاری کامل خواهد کرد. از سوی رییس‌جمهور و نخست‌وزیر، دعوت کرد که به یونان بروم و گفت، نظرات یونان شبیه نظرات ایران است.

گروهی از کارشناسان آمایش سرزمین آمدند و برای تهیه پیش‌نویس سیاست‌های کلی آمایش مشورت کردند.

طالبان اعلام کرده که دو هلی‌کوپتر آمریکا را ساقط کرده و جمعی از آمریکایی‌ها را کشته است. آمریکا، سقوط یک هلی‌کوپتر را تأیید کرده. جبهه متحد می‌گوید، بخشی از اراضی تحت اشغال طالبان در جنوب مزارشریف را اشغال کرده و جمع زیادی از آنها تسلیم یا اسیر یا کشته شده‌اند. [امیرعبدالله]، ولیعهد عربستان، نامه‌ای به آمریکا نوشته و گفته است، با وضعی که آمریکا در حمایت اسرائیل دارد، راه عربستان و آمریکا از هم جدا می‌شود چون مردم ما تحمل نمی‌کنند.

یکشنبه ۱۳ آبان

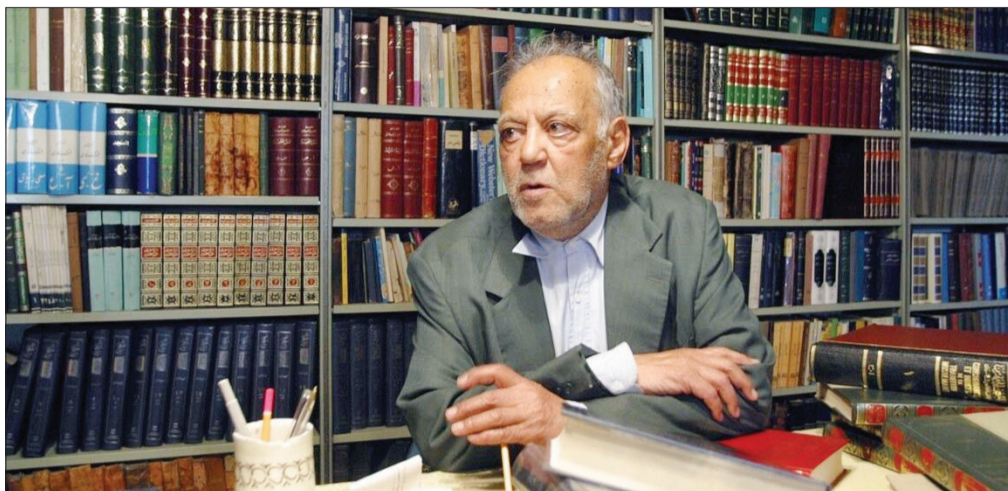
جلسه با معاونان مرکز تحقیقات

با معاونان مرکز تحقیقات [استراتژیک] مجمع تشخیص مصلحت نظام] جلسه داشتیم و صحبت‌ها بیشتر در مورد افغانستان بود. هم آمریکا و هم انگلیس به این نتیجه رسیده‌اند که جنگ پیشرفتی نداشته و دنبال راه نجات‌اند.

دکتر [حسن] روحانی، [دبیر شورای عالی امنیت ملی و رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک] گفت، ژاپنی‌ها از ما خواسته‌اند که برای بیرون آمدن آبرومند آمریکا از افغانستان کمک کنیم و از عدم تحریک جبهه متحد شمال هم ناراحتند و یکی از راه‌های نجات خود را تصفیه طالبان از شمال و یکپارچه کردن شمال می‌دانند. آنها می‌گویند، طالبان تضعیف نشده‌اند و کمبود نیرو و سلاح ندارند و گویا طرفداران طالبان در پاکستان، حمایت لازم را از لحاظ نیروی انسانی و سلاح و تدارکات و اطلاعات دارند.

روشنفکر بی ادعا

یادی از سیدجعفر شهیدی



هم که سال‌ها مدیر گروه ادبیات دانشگاه تهران بود، درباره او می‌گوید: «در جلسات استادان اول کسی که وارد می‌شدند و پنج دقیقه زودتر ایشان بودند، بعد به تدریج دیگران ملحق می‌شدند. بعد هنگام اینکه وقت اقامه نماز می‌شد، ایشان بلند می‌شدند و به هر قیمتی که بود، می‌رفتند بیرون».

میراث ماندگار

حضور در دهخدا وجه مهم زندگی شهیدی است و تصحیح کتاب مهم دره نادره هم در همان زمان اتفاق افتاد. او ۱۰ سال از عمر خود را وقف تصحیح «دژه نادره» کتاب تاریخ عصر نادرشاه، نوشته میرزا مهدی‌خان استرآبادی کرد و این کتاب را در گنجینه گرانهای تاریخ ایران ماندگار کرد. شهیدی در دوران کسالت محمد معین عملاً بسیاری از مسئولیت‌ها لغت‌نامه را انجام می‌داد و پس از فوت او نیز به مدت ۴۰ سال و تا پایان عمر خود، مسئولیت هدایت آن را بر عهده گرفت. او کار ناتمام معین را با تکمیل یک جلدنویم باقی‌مانده از فرهنگ معین را به پایان رساند و در سال ۱۳۵۸ نیز مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی را تحت نظارت موسسه دهخدا در دانشگاه تهران راه‌اندازی کرد. «مشکلات دیوان انوری» عنوان رساله دکتری سیدجعفر شهیدی است که بعدها در دو جلد توسط انجمن آثار ملی چاپ شد. کتاب سه جلد «جنایات تاریخ» از دیگر آثار مهم اوست که در آن به سه وجه تاریخی، انقلابی و نقد برخی از کتاب‌ها و آثار نویسندگان ایرانی و مصری پرداخته بود. این کتاب ابتدا به وسیله ساواک توقیف شد و بعضی مطالب انتقادی آن در چاپ بعدی حذف شد. به نوشته محسن شاه‌رضایی، نویسنده و پژوهشگر این کتاب که گویا طرحی برای نگارش تاریخ اسلام بود برای شهرت شهیدی آن اندازه اهمیت داشت که وقتی پس از آن، کتاب «فاطمه دختر محمد» در ۱۳۲۷ خورشیدی چاپ شد، روی آن نوشته شده بود: سیدجعفر شهیدی، نویسنده جنایات تاریخ. او در ادامه کتاب‌های دیگری از حوزه شناخت تاریخ اسلام و زندگی برخی دیگر از امامان از جمله چراغ روشن در دنیای تاریخ: زندگی علی بن الحسین (ع) در راه خانه خدا، زندگی حضرت فاطمه (س)، آشنایی با زندگی امام صادق (ع) و ستایش و سوگ امام هشتم (ع) در شعر فارسی را نوشت و برخی از کتاب‌های او به زبان‌های عربی، ترکی و آلمانی ترجمه شده است. شهیدی برای ترجمه نهج‌البلاغه در سال ۱۳۶۹ و برای نگارش کتاب تاریخ تحلیلی اسلام در سال ۱۳۸۵ برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شد.

رضوان‌الله علیه- و از ایشان خداحافظی کردم و ایشان دعای سفر به گوش من خواندند، گفتم که می‌روم و در نجف می‌مانم و استخوان‌های من هم در وادی السلام دفن خواهد شد، ولی نشد و برگشتم، نمی‌دانم و شاید هم لیاقت نداشتم. به هر حال این دست من نیست. آمدم به اینجا و ضرورت زندگی مرا به دانشکده ادبیات کشاند».

آشنایی با دهخدا

در یکی از دبیرستان‌های تهران مشغول به تدریس شد و همزمان به تحصیل در دانشکده علوم معقول و منقول (الهیات) پرداخت تا در سال ۱۳۳۲ که لیسانس خود را از این دانشکده دریافت کرد. آشنایی با علامه دهخدا از طریق دکتر معین، یکی از مهم‌ترین اتفاقات زندگی شهیدی بود و نام او را تا پایان عمر به موسسه لغت‌نامه دهخدا گره زد. شهیدی به‌رغم همه مخالفت‌ها در نهایت با پای درمیانی علامه دهخدا، همزمان با کار تدریس در موسسه لغت‌نامه دهخدا مشغول به کار شد اما کار تحصیل را رها نکرد که هیچ؛ همکاری با دهخدا باعث شد تا در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، مقطع دکتری را ادامه دهد و شاگردی و همنشینی با اساتیدی چون: بدیع‌الزمان فروزان‌فر، جلال‌الدین همایی و علامه دهخدا را تجربه کند.

در نگاه دیگران

به گفته دکتر سیدمصطفی محقق‌داماد؛ شهیدی یک فقیه به تمام معنا بود. اما ظاهراً از همان روزهای نخستین بنای تفکر روشنفکرانه در ایشان بوده است چراکه در آن زمان، کسی که فارغ‌التحصیل حوزه نجف می‌شد یک فقیه به تمام معنا بود، هر علوم دیگری را می‌آموخت در جنب این قضیه بود: «وقتی ایشان آمد به ایران، من طلبه‌ای جوان بودم، عمامه داشت، عمامه بزرگی هم داشت و ریش بسیار انبوهی. بعد رفت به دانشگاه و لباسش را درآورد اما برای من بسیار عجیب بود. وقتی جنایات تاریخ را ایشان منتشر کرد ما جوان بودیم، اصلاً مشخص نبود مال کیست، بدون امضا، چه کسی حاضر است، کتابی تحقیقی بنویسد و پایش را هم امضا نکند. هر کسی کتابی را می‌نویسد در آرزوی آن است که پشت کتاب بنویسد، مولفش کیست اما آقای شهیدی این کار را نکرد». دکتر غلامرضا ستوده، سیدجعفر شهیدی را این‌طور توصیف می‌کند: «باغ دانش شهیدی تمام‌شدنی نیست؛ مخصوصاً برای من که ۳۰ سال در کنار ایشان به عنوان معاون ایشان در موسسه لغت‌نامه و ۵ سال در کلاس درس شاگرد این استاد بزرگوار بودم». مرحوم جلیل تجلیل، پژوهشگر ادبیات و مترجم ایرانی



زیره خادمی
گروه تاریخ

نام سیدجعفر شهیدی به «موسسه دهخدا» گره خورده است؛ از مفاخر کشور در عرصه ادبیات، تاریخ و لغت‌نامه‌نویسی که سال ۱۳۷۴ نه تنها منزل مسکونی‌اش را به شهرداری نارمک واگذار کرد، حتی هدایایی که بنیاد شهید به واسطه شهادت فرزندش ارسال می‌کرد را قبول نمی‌کرد. او با قلم توانای خود یکی از مهم‌ترین ترجمه‌های «نهج‌البلاغه» پس از انقلاب را به سرانجام رساند و البته کتاب‌های مهم دیگری چون «شرح مثنوی شریف» و «تاریخ تحلیلی اسلام» را هم نوشت. سیدجعفر شهیدی ۲۳ دی ماه سال ۱۳۸۶ که ۸۹ سالگی از دنیا رفت. سازندگی به همین مناسبت به بخشی از زندگی و میراث این پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی، فقه و تاریخ اسلام پرداخته است.

ناکامی در نجف

سیدجعفر سجادی که بعدها به نام فامیل شهیدی شهرت یافت در سال‌های پایانی حکومت قاجار در یکی از محلات قدیمی بروجرد به دنیا آمده بود و دوران نوجوانی‌اش در زمان رضا شاه پهلوی گذشت. پس از تحصیلات ابتدایی و اندکی از متوسطه به تهران آمد و سالی که رضاه شاه از حکومت کناره‌گیری کرد، برای تحصیل علوم دینی عازم نجف‌اشرف شد و تا رسیدن به درجه اجتهاد هم پیش رفت. آن دوران اگرچه به واسطه دوری از خانه و خانواده، امور معیشتی و نحوه زندگانی در شرایط سخت آن دوران نجف، سخت‌ترین دوران زندگی‌اش بود اما همواره از آن به عنوان بهترین دوران زندگی یاد می‌کرد: «در آن گرمای نجف که نمی‌دانم چند درجه بود، من که آن وقت دماسنج نداشتم، ولی همین قدر می‌دانم که آب لوله را که باز می‌کردیم، جوش بود و شب که می‌خوابیدم و یک طرف بدنم را به زمین می‌گذاشتم با حرارت آجر، فرش گرم می‌شد و عرق می‌کردم، وقتی می‌غلتیدم نسیم، اندکی خنکی پدید می‌آورد و به خواب می‌رفتم تا طرف دیگر عرق کند. آن مدت دو یا سه دقیقه شاید بیشتر طول نمی‌کشید چشم من به خواب می‌رفت، باز آن طرف هم داغ می‌شد». همین سختی‌ها منجر به بیماری شهیدی شد و پس از حضور ۷ ساله در نجف او را راهی ایران کرد؛ بنابراین تحصیلاتش در نجف نیمه‌کاره ماند. او خود در این باره می‌گفت: «وقتی سلسب توفیق از کسی بشود این‌چور می‌شود. ولی خب زندگانی آدمی دست خودش نیست. بنده روزی که رفتم بیرونی آیت‌الله بروجردی-

تقویم

معامله شیرین جرالد فورد

یک ایرانی صاحب خانه رئیس‌جمهور آمریکا



حدود ۴۸ سال پیش، موسی معدل از شهروندان ایرانی که به تازگی به آمریکا مهاجرت کرده بود خانۀ جرالد فورد، سی‌وهشتمین رئیس‌جمهور آمریکا را

خریداری کرد. او آن زمان هنوز به عنوان شهروند آمریکایی شناخته نمی‌شد و سرمایه‌اش به قدری زیاد بود که خانه ۳۴ هزارمیلاردی رئیس‌جمهور وقت آمریکا را خریداری و بسول آن را هم به طور نقد پرداخت کرد.

چهارشنبه ۲۲ دی ۱۳۵۵ روزنامه اطلاعات در صفحات میانی خود خبر این خریدوفروش عجیب را به نقل از آسوشیئیتدس پرس منتشر کرد، آن هم در شرایطی که تنها چند روز به پایان ریاست‌جمهوری فورد و تحویل دادن کاخ سفید به کارتر مانده بود. اطلاعات درباره این معامله نوشت: «موسی معدل، ایرانی مجرد خانه مسکونی پرزیدنت جرالد فورد، رئیس‌جمهوری آمریکا را به بهای ۱۳۷ هزار دلار خرید. وی پس از انجام معامله گفت به عقیده او جرالد فورد مهم‌ترین انسان دنیاست و برای او افتخار بزرگی است که در خانه چنین مرد بزرگی زندگی خواهد کرد. موسی معدل برای خانۀ چهار اتاق‌خواه پرزیدنت فورد که در «آلکساندریا» جورجیا واقع است، پول نقد پرداخت و آگاهان گفتند، فورد از معامله شیرینی که با ایرانی مجرد داشته ۱۰۰ هزار دلار خالص سود عاید خود کرده است. پرزیدنت فورد خانۀ مورد نظر را در ۱۹۵۵ به مبلغ ۳۴ هزار دلار خریداری کرد و پس از خرج کردن ۷۵۰۰ دلار جهت ساختن استخری در حیاط خلوت خانۀ آن را برای سکونت آماده کرد. موسی معدل، شهروند ایرانی که در کمپانی معاملات ملکی موسوم به «شانون‌اند لاجس» کار می‌کند اینک پس از خریدن خانۀ جرالد فورد تا بزرگ است به تلفن‌های متعددی که به وی درباره معامله با رئیس‌جمهوری انجام داده است، پاسخ بدهد. فورد ۶ درصد از مبلغ مورد معامله را به عنوان «حق کمیسیون» به شرکت معاملاتی شانون‌اند لاجس پرداخت کرد. موسی معدل پس از خریداری خانۀ جرالد فورد به خبرنگاران گفت:

«موسی معدل، شهروند ایرانی که در کمپانی معاملات ملکی موسوم به «شانون‌اند لاجس» کار می‌کند اینک پس از خریدن خانۀ جرالد فورد تا بزرگ است به تلفن‌های متعددی که به وی درباره معامله با رئیس‌جمهوری انجام داده است، پاسخ بدهد. فورد ۶ درصد از مبلغ مورد معامله را به عنوان «حق کمیسیون» به شرکت معاملاتی شانون‌اند لاجس پرداخت کرد. موسی معدل پس از خریداری خانۀ جرالد فورد به خبرنگاران گفت:

«موسی معدل، شهروند ایرانی که در کمپانی معاملات ملکی موسوم به «شانون‌اند لاجس» کار می‌کند اینک پس از خریدن خانۀ جرالد فورد تا بزرگ است به تلفن‌های متعددی که به وی درباره معامله با رئیس‌جمهوری انجام داده است، پاسخ بدهد. فورد ۶ درصد از مبلغ مورد معامله را به عنوان «حق کمیسیون» به شرکت معاملاتی شانون‌اند لاجس پرداخت کرد. موسی معدل پس از خریداری خانۀ جرالد فورد به خبرنگاران گفت:

«موسی معدل، شهروند ایرانی که در کمپانی معاملات ملکی موسوم به «شانون‌اند لاجس» کار می‌کند اینک پس از خریدن خانۀ جرالد فورد تا بزرگ است به تلفن‌های متعددی که به وی درباره معامله با رئیس‌جمهوری انجام داده است، پاسخ بدهد. فورد ۶ درصد از مبلغ مورد معامله را به عنوان «حق کمیسیون» به شرکت معاملاتی شانون‌اند لاجس پرداخت کرد. موسی معدل پس از خریداری خانۀ جرالد فورد به خبرنگاران گفت:

«موسی معدل، شهروند ایرانی که در کمپانی معاملات ملکی موسوم به «شانون‌اند لاجس» کار می‌کند اینک پس از خریدن خانۀ جرالد فورد تا بزرگ است به تلفن‌های متعددی که به وی درباره معامله با رئیس‌جمهوری انجام داده است، پاسخ بدهد. فورد ۶ درصد از مبلغ مورد معامله را به عنوان «حق کمیسیون» به شرکت معاملاتی شانون‌اند لاجس پرداخت کرد. موسی معدل پس از خریداری خانۀ جرالد فورد به خبرنگاران گفت:

«موسی معدل، شهروند ایرانی که در کمپانی معاملات ملکی موسوم به «شانون‌اند لاجس» کار می‌کند اینک پس از خریدن خانۀ جرالد فورد تا بزرگ است به تلفن‌های متعددی که به وی درباره معامله با رئیس‌جمهوری انجام داده است، پاسخ بدهد. فورد ۶ درصد از مبلغ مورد معامله را به عنوان «حق کمیسیون» به شرکت معاملاتی شانون‌اند لاجس پرداخت کرد. موسی معدل پس از خریداری خانۀ جرالد فورد به خبرنگاران گفت: